حقیقت

شماره ۳۶ — ۲۰ مرداد ۱۳۵۸

★ اعلام وحدت — صفحه ۴

★ پاسخی به جریکهای فدائی — صفحه ۱۲

★ انحراف اصلی جنبش ما — صفحه ۱۲

این مجلس لایق همین «انتخابات» هم بود!

سرانجام انتخابات مجلس هفتا دوهفت نفره خبرگان، که آنرا عنوان مجلس موسسان انقلاب مردم ما جا زده اند، بپایان رسید و آنچه مطلوب اقلیتی که خود را نماینده اکثریت قلمداد میکند بود، سرانجام صندوقهای رای بیرون آورد. چنانکه انتظار میرفت حزب جمهوری اسلامی که از پشتیبانی تلویحی آیت الله خمینی برخوردار است و موسسان آن در شورای انقلاب و کابینه اخیر دولت موقت بوده و از مورخین مهمی از پیشداوران را هدایت میکنند، اکثریت نمایشی اکثریتی که بر اساس آمیخته ای از اعتماد بخش مهمی از توده مردم به شخص خمینی، ناآگاهی آنان درباره مضمون طبقاتی و مقصد حرکت احزاب سیاسی و سیاستمداران گوشی و سیاست تهدید و تقلب های گسترده حزب پا شده و عدم شرکت و یا محرومیت از شرکت توده ی وسیعی از اهالی کشور، اکثریت شده است. بقیه انتخاب شدگان نیز منتظر نمیرسد چندان بقایا و یا شرکت عمومی تا مرحله های انتخاب شده حزب با صلاح اکثریت بکنند. اگر هم نباشند!

هنوز شمار آراء بسیاری از نامزدهای انتخاباتی بپایان نرسیده بود که سیل تلگرافهای اعتراضی گروههای مردم شهرهای مختلف و بسیاری از احزاب و گروههای مختلف سیاسی و مذهبی نسبت به افرادی که به نمایندگی انتخاب شده اند، به نحوه برگزاری انتخابات، شمار آراء و غیره سوی وزارت کشور و مقامات روحانی و مطبوعات سرازیر شد. همه اعتراض کنندگان چه راست و چپ، مذهبی و غیرمذهبی، کاسب و بازاری با محافل روحانی در شیراز و مشهد، در یک چیز متفق القولند که حزب جمهوری اسلامی در انتخابات تقلب کرده است. این در حدود معنا و حقیقتی نهفته میدارد و سیهای بازور و غرض میتواند باشد. حزب و دستهای که یکی از رهبرانش، یعنی آقای هاشمی رفسنجانی، خود را اکثریت نمود و چند درصدی مردم قلمداد کرده و معتقد است با یک اشاره انگشت میتواند (یا میتوانست) اقلیتی چپ را بدست "مردم" نابود کنند (!!) را به این تقلبات رسوا چه نیاز است؟ با این همه

بالاخره "انتخابات" مجلس خبرگان با قضاوتی بسرانجام رسید. آنچه انتظارش میرفت انجام شد و "خبرگان" یک مشت اقلیت روحانی و سرمایه دار و ملاک و انحصارطلب به لطف ناآگاهی و خوشبینی بسیاری از مردم والبته تقلب "انتخابات" شدند و قرار است برای ملت ایران یک قانون اساسی بسازند مثل خودشان بدون نماینده. "عدل اسلامی" در دوران آزمایشی دموکراسی را برانداختند و انتخابات نیز ماهیت خود را نشان داد و در مسائل همه آنها که چشم و گوششان بسته است و سرنوشت خود را بدست مشتی "وجیه المله" سپرده اند، به بهترین وجه ماهیت خود را بنمایش گذارد.

"انتخابات" باردیگر ماهیت و موضع

مقامهای برجسته و ولیعهد که این تقلبات نامشروع را انجام کرده برای سردرآوردن از صندوقهای رای چه نیاز است؟ عجبا! این اکثریت بود و چند درصدی که از مجلس موسسان بود و چند درصدی وحشت داشت از مجلس چند درصدی خودش هم هراس دارد!

ترکیب این مجلس خبرگان گذائی، اگر همچنان امر را در برگزاری آن کنند و به اعتراضات و فریادهای گونه و گونه کشور توجهی نکنند (که در اینصورت مردم هم بتدریج به چنین مجلس و خبرگانی توجهی نخواهند کرد!) چه میباشد؟ نمونه هائی

چند از برگزیدگان ما و ریم:

۱ - در استان کردستان دو نفری بعنوان نمایندگان اهالی سر از صندوق های رای درآورده اند که حداکثر مربوط سه رای دوسهرک و یا تعداد آراء نازلی میباشند. بیش از یک میلیون نفر مردم رای دهنده این استان بحساب نیامده اند!

۲ - در خوزستان فرد متکوک و همدست ساواک بنام آیت الله کرمی و حاد طلبی چون کیاووش که تا دیروز با اعتصاب معلمان علمدار مخلوع مخالفت میکرد سر از

بقیه در ۲

همه اعتراض کنندگان چه از سوی چپ، مذهبی و غیرمذهبی، کاسب و بازاری یا محافل روحانی در شیراز و مشهد، در یک چیز متفق القولند، که حزب جمهوری اسلامی در انتخابات تقلب کرده است .....

عجبا! این اکثریت نمود و چند درصدی که از مجلس موسسان بود و چند درصدی وحشت داشت از مجلس چند درصدی خودش هم هراس دارد!

خبرگان نبودند که انقلاب کردند و خون دادند. اقلیتی از مالک و سرمایه دار و روحانی نبودند که سار انقلاب را سر دوش کشید. نبوده کارگران و زحمتکشان نخواهد پذیرفت که ابتدا دولتی بروی کار آید از افرادی که از بسیل قیام مردم بیرون جهنده و امور کشور را بدست گیرند و حالا هم عده ای دیگر خود را جلو انداخته نماینده گی اقلیت خود را به عنوان خبرگان مردم قلمداد کرده اند، و بعد از این هم همینطور تا آخر!

این آقایانی که برای زهرچشم گرفتن از خلق عرب به کشتار فرزندان آنان کمر بسته اید، چرا "زرنگی" و "درایت" خود را برای پیگرد عمال رژیم سابق بکار نمیبرید. جواب خانواده های داغدیده سینما رکس آبادان را که تاکنون هیچ اقدامی نکرده اید و قاتلان فرزندان آنان را راست راست در جامعه میگردند را چه خواهید داد؟

طرح نوین مدنی برای کشتار خلق عرب

امپراتوری نظام سلطنتی دولت و بیمراتب انقلاب اسلامی در اشکال متفاوتی هنگامی که در ربط با سپاه و شکنجه گاههای درون و بیرون محمدرضا شاه بدست سرنوشت خلق کشوده گردید همچنان رده ارتش دستگاههای متعدد شکنجه و دستگاه عریض و طویل ساواک گفت که جنبه اساسی همه در این رسیده خرج مورد گرفته والان این دستگاه ساواک با تمام وسائلش

بدون تغییر باقی مانده است. از آن پس امپراتوری اسلام و نظام با آن بنا انقلابش در پی برسم و بازسازی ساواک و ارگانهای سرکوبگر رژیم در رهبر محمدرضا شاه قتل ارتش، ارتش بازسازی و ... مردم خشونت در این راه بیمار مدنی، این نشسته به خون خلق عرب را مامور سرکوب حسنهای حق طلبانه مردم در خلق خوزستان نمودند. ابتدا مدنی حلاد حمله به

کانونهای مترقی خلق عرب را با استفاده از سروهای ورزیده ارتش، کارد جاویدان، و گروههای نظامی - سیاسی آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود. اما سرکوب مستقیم مبارزات مردم آبزاری کهنه شده بود و مردم عدم کارآئی آنرا در رژیم سابق به تمامی مرتجعین ثابت نموده بودند. از این جهت یکدوره جلسات مخفی و علنی با شیوخ مرتجع محلی نهاده و اعتماد و همکاری آنان را خود طلب مینماید. اما از آنجا که دولت و نماینده مرتجعان در خوزستان به خوبی میدانند که در حرم مقدس و محله های اعراب نشین آتشی زیر خاکستر پنهان شده و هر دم شعله ور خواهد شد در پی توطئه نوینی برآمدند و آن جبری جرایحا در محیط رعب و وحشت آرامشهری در سراسر منطقه بود. در پی این مقدمه نیمه رمدنی حکمه های رضاخان با سیستم را به ما کرده و با دردسر دست با سیستم سروهای مرتجع به سرکوبیدها و اعدامهای بی در پی، بیرون بردن جسد، کشاندن سروسها و روزنامه فروشها اقدام نموده

بقیه در ۲

امروز نیز توطئه انجام کودتاهای ضد انقلابی و خائنانه یکی از مشغولیات فکری اصلی نظریه پردازان امپریالیسم و عمال غرب دیده شان می باشد..... آنها دارای امکانات و سیعی برای دست زدن به چنین اقداماتی هستند..... اولا ارتش با رسانه و کم دست خورده کوشی ..... شانیا گروه ها و سازمانهای مسلح فئودالی و یا وابسته به سکانه در اطراف کشور..... سالنا گروه قدرت طلب و "منزوعه جی" درون روحانیت .....

درسی از کودتای ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد درسی است با ارزش از کودتای شوم سال ۱۳۳۲ که در همین روز روی داد و کودتا از آن عبرت گرفتیم. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با دهها درس عبرت برای مبارزان راه آزادی و استقلال ایران باشد. آن تجربه تلخی بود که برای مردم ۲۵ سال اسارت و سیه روزی درپی آورد. اسیر کودتا که محصول توطئه مشترک دو دولت

استعماری آمریکا و انگلیس برای سلب منافع امپریالیستی خود در کشور ما و تحمیل حکومت دست نشانده پهلوی بود، بدست یاری ارتش و دخالت گردانی سیا و ایادی و واردکان و خائنانی که امروز خود را علم دار پیشبرد استعماری مردم قلمداد میکردند بدست آمد. ولی استان آنان بر دست و ملت

بقیه در ۲

"انتخابات"، بسطور اقناعی با استفاده از امکانات تبلیغاتی "انتخاباتی" و "مستردنی از توده" و دیگری تجربه این انتخابات و ابعاد آن از این زاویه.

انقلاب در هر مقطع از یک مبارزه های انقلابی را با طرح سئوالات محض آزمایش میکند و سروهای انقلابی بدون در پاسخ بدین مسائل محض است که موقعیت و جایگاه خویش را تعیین کرده و تاملات خود را در هدایت توده های مردم و سرنوشت صحیح و اصولی تکامل انقلاب سازمان میدهند. از جمله این سئوالات، یکی هم همین مسئله "انتخابات" مجلس خبرگان بود. انقلاب در این رسیده همه سروها را به آزمایش گذاشت. مسئله و سئوال اساسی

بقیه در ۲

انتخابات و نیروهای انقلابی

چه درسهائی باید بگیریم؟

قضیه "دولت موقت"، سروهای انحصار طلب مذهبی و دستجات مختلف سوزوالیستی و هیچیس داروسته های وابسته چون حزب توده و جلب دموکرات را بسیاری گذارد و آنان را در این آزمایش مردود ساخت. لاکن این "انتخابات" در عین حال

آزمایشی برای همه سروهای انقلابی و بویژه جنبش کمونیستی تاثیر بود و در مورد آنها سرزای خود را مادر کرد.

سروهای جنبش کمونیستی مبادر مورد این "انتخابات" دو موضع گیری مختلف اتخاذ کردند. یکی شرکت در این

www.iran-archive.com

...ی مجلس...

...صندوق های رای بیرون میاورد. این ...ید دقیقا در اسامی که زیر چکمه ...ی ...ی شما دو آدمکش به حال اختناق افتاده ...زده عرب اهالی بدست کشتارگران ...ار دهاوندان نیروی دریائی و ...ی ...ا در قرب خورده سپرده شده و در حال ...ی اعضای کارگران نفت به زندان ...کشده میشوند. قابل انتظار است. سرکاری ...بحانات و اولاطرح آن توسط ا... ...سانداران ملعون و همدستان او در روحانیت ...ورسان، که عوامل رژیم سابق را رها ...رده دستان خود را بخون فرزندان مردم ...توده میکنند و اخیرا یکی از همپاران اسلا... ...ی را به جرم مسخره "قیام علیه جمهوری اسلا... ...ی" بدون محاکمه و ناجوانمردانه اعدام ...میکنند و همه آنان مثل عناصر بدنام ...و دروغگو و دشمن انقلاب مردم ایران و مشرو... ...طه جی های روزشمه هستند. معلوم است چه ...منجه ای را بار میآورد. این بی شرمان که از دیدگاه مکتب کوبا مورد اعتقادشان است با ...ا سوسیالیستها و اسلام آوردگان حملی ...ا مات مقایسه شوند، آنقدر شبیه ما و استخوان ...دارند که بروند بنگین خود و همدستانشان را، که همچنان بدان پایبند و ما دقیقا، برای مردم روکنند و آنچه در دل میخواهند بر زبان بیاورند. آنگاه اینان باید برگزارکننده... کان انتخابات در مرکز اصلی اعتصابات انقلاب مردم ما باشند!

۳ ـ در آذربایجان غربی فردی ضد... خلقی و نوکر بیگانه چون عبدالرحمن قاسملو که دشمن دهقانان گرد بوده و دایا رودسته فئو... دالی "قیاده موقت" را "میهمان" خود میداند، برگزیده میشود. عجبا که هرکس سا زوبرگ اش بیشتر، عنادش با جنبش زحمتکشان کاری تر، رای اش هم زیادتر از آب درمیآید!

۴ ـ تقریبا بقیه برگزیدگان در تهران و شهرها، چه با تقلب چه بی تقلب همه حجت الاسلام و آیت الله و چندتن هم افراد مرفه الحال و حج رفته تا جرومانند آن می... باشند، که تنها میتوانند به نمایندگی از سوی جمع کمابیش ۲۰۰ هزار نفره روحانیت ایران و چنددرصد ملاک و سرمایه دار و خانواده... هایشان مدعی باشند.

۵ ـ نتیجه اینکه توده کثیر اهالی کشور، کارگران و دهقانان و ساپیر توده رنجبر که دست کم هفتاد درصد جمعیت کشور و بهمین نسبت رای دهندگان را تشکیل میدهند، بهر

...درسی از...

ایران آسان باخت. از آن سو، از سوی آن دسته هائی که رهبری مردم را بر عهده گرفته بودند هیچ واکنشی جدی در برابر کودتا روی نداد. آنها توده مردم را که پس از رهبران ما در روزهای تاریخی ۲۸ ـ ۲۵ مرداد با نیروهای خود، بر کندن ریشه دربار و هستی خاکمه دست نشانده و طلوع آزادی را آرزو داشتند بحال خود رها کرده و زمان نبرد قطعی را پس کشیدند.

در آن زمان مصدق و یارانش در رأس حکومت و از همراهی عموم مردم برخوردار بودند. آنها میتوانستند با دعوت و بسیج مردم به مقاومت و دست کم استمداد طلبیدن از مردم از طریق رادیو جلوی کودتاچیان ایستادگی کنند. همچنین نیروی رقیب آنها، حزب توده، با آن دعاوی و شعارهای دهان پرکن رهبرش که "ما جنگ کودتا را به جنگ علیه کودتاچیان تبدیل میکنیم"، میتوانست با دعوت و بسیج کارگران و اعضای حزب و ترغیب عموم مردم به مقاومت و بکار گرفتن سازمان نظامی حزب، که اعضای فداکار و غیرتمندش همه آماده برای نبرد بودند، جلوی کودتا را بگیرد و در عمل بجنگ

که هم اکنون اسناد این مسأله روشن گشته است و مدعاهائی در زمینه های مدنی زیستن شکسته های روحی و جسمی فرا رداده اند.

عبدالرضا الحاوی کارگر اداره ...

دلیل دارای نمایندگی در این مجلس نمیشود و با مدعیان زاده نمایندگان اقلیت روحانی، مالک و سرمایه دار، یعنی دکانی که با سپرس جنس ها هم که با سند از مال و آرزوهای آنان سگانه اند، نمیباشند. در این مجلس کسی نیست که صدای طبقه کارگر و رنجبرانی که این انقلاب به خاطر آنان به پیروزی رسید، ملت ستمدیده و رسیده های شوده های محروم دهات را گذار جوروستم و نجاوزات ملاکان و دسته های جمعی دار و مسلح آنان در بسیاری از دهات بخاطر آمده و حقوق آنان هیچ اجری در دولت کنونی و حتی نمی بیند، بگوش برسانند و از منافع آنان دفاع کند.

افراد برگزیده شده برای این مجلس، که خود را خبرگان این ملت تصور کرده اند، بدانند که جمع آنان توده کثیر اهالی این کشور را نمایندگی نمیکنند و با این حرکت تحمیلی خود در برابر زورگوی آن مردمی هم که نسبت به عده ای از آنان با حسن نیت نظر میدهند بی اعتنا و خواهند گشت. خبرگان نمیتوانند که انقلاب کرده و حق داده. اقلیتی از مالک و سرمایه دار و روحانی میتوانند که با انقلاب را مردود کشد. توده کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی همینطور که در پی دیگری نخواهند بود در مرحله اول نیروی کار آنان را افرادی که از بغل قیام مردم بیرون جهیده و امور کشور را بدست گیرند و حالا هم عده ای دیگر خود را جلو انداخته نمایندگی اقلیت خود را بعنوان خبرگان مردم قلمداد کرده اند، و بعد از اینهم همینطور تا آخر!

آقای آیت الله طالقانی در یکی از خطبه های خویش در نماز جمعه دانشگاه گفتند که منظر ایشان با یدنمایندگان همه جمعیت ها و دسته ها در بررسی قانون اساسی کشور شریک و در مجلس شرکت داشته باشند. ت... نگویند... فلان! بهر دلیل اکنون چنین نیست. اگر ایشان واقعا راست میگویند و این سخن را صرفا بهر ساکت کردن معترضین و یا احیانا غافل کردن مردم نگفته اند و یا بسند اعتقاد خود هستند، باید اکنون به سوان اعتراض دست کم از نمایندگی در چنین مجلسی، که تنها اقلیتی از مردم ایران را نمایندگی میکند، کناره گیرند و عمل را با سخن و اعتقاد خود موافق گردانند. وگرنه همه خواهند گفت... فلان! و این همه قطعا اکثریت مردم ایران خواهند بود.

مردم بست خودشان وقتی نشان دادند، این دسته ها مصالح و امکانات بسیار در اختیار داشتند و بدست نزدند، رهبری راستین آن مردم نبودند و غیرت و همت آن مردم را نداشتند. ۲۵ سال خودکامگی سازمان امنیت و باراج امپریالیستی با آن همه ثروت و نیروی غیرتی تاریخی بود، با وانی که توده مردم برداخت. با وانی که در عین حال کمترنا آگاهی و اعتماد دستجمعی توده به آن نا رهبران بود. اکنون که مردم ایران در دوره دیگری از نبردهای آزادیبخش خود هستند با دارایی تجربه تلخ سابقه مورد، تا آن شنود که استبدار رهبرها هجوم ارتجاع و دشمنان خارجی ایران و ویرانگر اعتماد نشدنی به دستجات مردمی و مسالمت جو، که رهبران دوران طلح اند، همه چیز را دست نبرد و سالهای دراز زنان پس داده بود.

هیچگاه نباید فراموش کرد که از نیز جزء اصلی دستگاه دولتی و افراد اصلی فرمانروائی طبقه حاکمه است. عامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد ارتش بود. ارتشی که به مردم بیلو نداشت و دست نشانده بیگانگان و ارتجاع حاکم بود. آن طبقه بیشرو آن مردمی که در مبارزه با دشمنان مسلح خود ارتشی از خود بنیاد نشانده باید در برابر زورگنگ ...

مردمی نشود. ارتش مردم از دل قیام مردم در آید و از دسته های مسلح خود توده های در حال نبرد ایجاد شود ـ همانان که دسته های مجاهد در سرسرسالهای انقلاب مسروطه بدید آمدند و پیروزمندانه هم کودتای ارتجاع و عمال استعمار را درهم شکستند. این درس عبرت بزرگی است که با تدارک کودتای ۲۸ مرداد و با کامی جنبش فدا امپریالیستی مردم ایران در برابر کودتاچیان برای امروز گرفت.

در آن زمان رهبری نیروی ملی و مالکان لیبرال بر نهضت ضد امپریالیستی ... که دیگر دسته عمال حاکمیت ملی

خرمشهر، جامع بیست هیاج جمعیتی نیروهای کارگر اداره بندر خرمشهر، دیپلمه بیکار محمد صمریان کارگر ساختمانی و دارای دو فرزند و ۷ برادر و خواهر تحت تکفل در ساعت ۵ و با نزدیک دقیقه روز پنجشنبه ۵۸/۴/۲۴ در منزل عبدالرضا الحاوی دستگیر و با ضرب و شتم در مقابل همسایگان و شاهدان محل با چشمهای بسته به مرکز پاسداران در دبیرستان سارو گاس خرمشهر مجاور در پاسداری برده میشود. اسامی آنان ظاهرا بر پاسداران با رنجک در مسجد جامع خرمشهر بوده است (با کمی تفکر و بررسی در مورد نحوه برخورد پاسداران با رنجک و شدت اعتصاب آن میتوان پی برد که اعتصاب مسجد جامع خرمشهر با زعمده سمت بیرومندسا... عتی که ارسال در آن گذاشته شده بود بسر می آید). با بررسی مختصری از چگونگی دستگیری و سرنوشت آنها و اعدامهای متعاقب آن روشن میگردد که مدتی جلاد در بین نوشته های شوم خود را رضح کوشی فرو گذار نموده و در این راه روی سازمان مجاهدین ساواک را سفید کرده است. در این راه در داخل اتومبیلی که دستگیرشدگان بودند یکی از پاسداران با تفنگ گلوله ای به پای عبدالرضا الحاوی او را زخمی میکند و بین بعد از رسیدن به مقر پاسداران، دستگیرشدگان توسط یک نکته گرا با شعار اعزامی از تهران مورد بازجوئی قرار میگیرند که علت وضع و حم عبدالرضا الحاوی و اصابت تیر گلوله به پای او که در ماشین صورت گرفته بود و دی را به سازمان مجدد خرمشهر (رضا پهلوی سابق) برده و به مدت ۲ ساعت تمام تیم جراحی برای خارج نمودن گلوله از پای وی تلاش میکنند و آخر الامر ناچار میشود که میلی در پای او قرار داده و جراحی بکنند. کمتر از یکساعت از خروج مجروح از اتاق عمل نگذشته که پاسداران بدستور مدنی و اجاره کنندگی از دادستان خرمشهر به سپاه اسکله تا یک مجروح را مورد به سازمان نیروی دریائی منتقل کنند تا پس از رسیدن به محاکمه کشد. وی را به پاسداران سپاه پاسداران در مدرسه ریسه پارگاهی خرمشهر برده و در حالیکه اعضاء همراه دو نفر دیگر از دستگیرشدگان در ساعت ۹ شب همان روز به پاسداران میکنند. این عمل غیرانسانی بقدری بر سر انجام شده بود که حتی مجرب ترین اعزامی دکتر و کسانیکه حاضر بر جراحی بودند به وسیله ما دکتر ذکر اینکه حتی در موضع تیر اندازی لوله تیر مورد پای عبدالرضا الحاوی قرار گرفته بود بطوریکه حتی زه را با خود تیر تحویل سازمان داده شده مشروط به اینکه تعهدی با نداده شود که اینها ضد انقلابی بوده و از اعضای گروه چهار رشته سیاه هستند و در قرار مسجد جامع خرمشهر دست داشتند. (البته ما در اعلامیه های بعدی سعی خواهیم کرد مسأله سکوت دکتر پرداخته و اینکه چگونه وجدان دکتر و جراحان اجازه میدهد بیماری را که در مدت ۳ ساعت تمام روی او عمل جراحی انجام شده بود از بیمارستان خارج کرده و بعد از چند دقیقه او را بیرون کند. آیا غیر از این است که دکتر عملا با جاموسی و سکوت خود همه این عمل جنایتکارانه گذاشته است.)

این مزدوران خونخوار که دست رژیم محمدرضا شاه را از پشت بسته اند برای اینکه آنان را نکشته علنی بگیرند در سیمه و بدون محاکمه، دستگیرشدگان را به رگبار مسلسل بسته، با توجه به رمانی که مجروح زیر عمل جراحی بوده و با توجه به ساعت دستگیری آنان

مبنی بر محاکمه و اقرار صریح دستگیرشدگان یک برنامه از پیش ساخته شده ای بیشتر نبوده است. چطور شخصی مانند شیخ الاسلامی در بیداری با این رژیم که بعد از ارزش ما ارزمان دستگیر پس به میز محاکمه رفته و چندین روز متوالی این محاکمه را کش میدهند آخر الامر برای حساسیتی عیان این مردود حکم رسانان اندر اساس میگذولی در جلسه موافقتی حتی کمتر از ۲۴ ساعت هم فرصت داده نمیشود. مگر غیر از اینستکه این حرکات بخرهان بعضه شوم و از پیش پرداخته شده مدتی جلاد جزء دیگری نیست.

بعد از این واقعه کمتر از ۲۴ ساعت جمیل سپرای پوروعباس سپاوی به اتهام رابطه با سه تعریا دشده تیرباران میگردند. این سوت به گسیخته خلق بعضی آن فرزندان مبارزی که برای احقاق حقوق پامال شده... ان در رژیم سابق به مبارزه برخاسته اند مرتد. عبدالامیر دریس و عبدالزهرا دریس این فرزندان خلق عرب به اتهام ساختگی اقدام به بمب گذاری زیر لوله های نفت بلا... ماطله تیرباران میشوند. تمام کارگران مبارزی که در اداره بندر کار میکنند تا هدایت بوده اند که ۴ روز قبل از واقع بمب گذاری عبدالامیر دریس در سرکار به علت فعالیت سیا... سی حاضر نمیشود چرا که شانه پاسداران به جای وی هجوم برده و وی را دستگیر می کنند و درست بعد از ۴ روز خبر تیرباران نامبرده از رادیو و تلویزیون بگوش میرسد. متناسب این جریان ۲ نفر دیگر به اتهام واهی "اقدام علیه جمهوری اسلامی" بلافاصله پس از دستگیری ظرف کمتر از ۲۴ ساعت تیرباران میگردند.

در عرض یکی دو روز تعداد تیرباران شدگان به ۱۲ نفر میرسد. مدتی جلاد برای اینکه این نمایش جلادمنشی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند چندتن را در کنار سینما تاج که محل مسکونی مجاورشهر پررفت و آمد است به سیک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ میبرد.

ای آقایانی که برای زهرچشم گرفتن از خلق عرب به کشتار فرزندان آنان کمر بسته اید چرا "زرنگی" و "درایت" خود را برای بیکرد عمال رژیم سابق بکار نمیبرید. جواب خانواده های داغدیده سینما رکس آبادان را که تاکنون هیچ اقدامی نکرده اید و قاتلان فرزندان آنان را راست راست در جامعه میگردند را چه خواهید داد؟ جواب خانواده های آن شهدائی که در این توطئه شوم جان باختند را چه خواهید داد؟

مردم دلیر و آزاده ایران:

تیمسار مدنی در پی اعدامهای اخیر خود بدنبال اجرای طرحی است که بتواند از یکطرف افکار عمومی مردم را بر علیه خلق عرب مهیا کرده و از طرف دیگر و بدنبال زمینه چینی فوق موقعیت خوبی را برای کشتار آنها بدست آورد. زیرا اینها نیروهائی میتوانند به بعضه شوم خود که به ثبوت کشیدن مساله حقوق خلقها و پایمال کردن آن است موفق شوند که قبل از هرچیز افکار عمومی را بر ضد خلقها با توطئه و طرحهای رنگارنگ شبیه دنده و دست به اعمال وحشیانه خود بزنند. بی شک کشتار فرزندان خلق عرب آخرین اعدامها نیست و در صورت سکوت شما اعدامهای بیشتری در آینده نزدیک از خلق عرب خواهیم بود. ما از شما مردم ایران خواستاریم که در مورد اعدامهای اخیر ساکت ننشسته و مثل از اینکه عده دیگری از فرزندان این مرز و بوم به جوخه مرگ سپرده شوند جلوی این اعمال غیرانسانی را بگیرند.

گروه تحقیقات ـ جمعیت دفاع از خلقهای ایران

رونوشت به:

آینده گان
ندای آزادی
پیغام امروز
حقیقت
کار
مجاهد
انقلاب اسلامی

www.iran-archive.com

انتخابات ...

بی که در این زمینه باید مطلبید چه بود؟

بدینسان سرنگونی رژیم استبداد، مسئله ادامه انقلاب و تدوین پایه و اساس رژیم آتی کشور در دستور کار قرار گرفت. ادامه انقلاب با توقف آن؟ نگرش این مسئله است که تاثیر مناسبات شکل میگیرند و مفهوم پیدا میکند. نیروی خواهان توقف انقلاب است و برای آن نیروسازی اندیشیده است. آنها میخواهند نیروی کار انقلاب را منحرف کرده و نگرش خواسته های خود سازند. نهاد "مجلس خبرگان" در راس مجلس موسسان از جمله مدافعین ضدانقلاب است که این نیروی و نیروهای مسلط بر آن، برای منحرف کردن مسیر انقلاب و تکامل آن در پیش گرفته اند. خواهان حاکم بر جامعه کماکان بر وجود یک اختلاف مبارزاتی عمومی برای پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم و مقابله با رژیم سابق شهادت میدهد و نیروی خواهان منحرف کردن این اختلاف و خاموش کردن درد آنهای "مجلس خبرگان" می باشد. انقلاب بر سر یک دوراهی قرار گرفته است. مسیر تکاملی آن چه باید باشد؟ مبارزه بر علیه امپریالیسم و مقابله با رژیم گذشته از چه طریق باید به پیش رود؟ پاسخ این سئوال نگرش جگونگی پاسخ به مسئله مجلس "خبرگان" و "انتخابات" آن گره خورده است. شرکت یا تحریم؟ انتخاب میان دو مسیر تکاملی جنبش یا انتخاب میان این دو تاکتیک گره خورده است. "دو تاکتیک، دو مسیر. از این رو انتخاب تاکتیک و شیوه صحیح امری بسیار حساس و دقیق و مهم میباشد. برخلاف آنچه گفته میشود، مسئله شرکت یا عدم شرکت در این انتخابات به هیچ روی بر سر استفاده یا عدم استفاده از "امکانات قانونی" نبوده و بلکه چنانچه از زاویه ای دیگر به آن توجه شود، مربوط به سئوال اساسی مقابل برای نیروهای انقلاب و کل جامعه در این مقطع از تکامل انقلاب میباشد.

امین میگوید که مسئله شرکت یا عدم شرکت در انتخابات و مجلس، مسئله انتخاب از دوراه تکامل آتی جنبش و انتخاب میان دو تاکتیک مبارزاتی مطلبی با این مسیر تکاملی آتی جنبش (بر علیه امپریالیسم، خلد ۱۳) میباشد. این جنبش بود واقعیت آرمانی قوی و با سخنهای داده شده را بر پایه از این زاویه، مسیر جنبش اکثریت های طرفین بحث، مورد بررسی قرار داد.

حرکتهای فدائی خلق" اصرار در جروه ای به توضیح نقش شرکت خود در انتخابات مجلس خبرگان پرداخته و بحث لیست در پی این راه را به اثبات رسانیده اند. اما برای سرنگونی به عمق انحرافات خود اذعان کرده اند.

ما در انتخابات از بحث مفصل پیرامون مسائل متعددی که فدائیان در پیش کشیده اند، خودداری نموده و به استدلالات عمده آنها میپردازیم.

استدلال اساسی آنان بر این پایه استوار است: ۱- تاکتیک باید متناسب با "سطح موجود" و "درک بالفعل توده" و "برای توده قابل درک باشد" ۲- توده ها هنوز به "دولت موقت" و خرده بورژوازی اعتماد دارند و هنوز به درکی که ما (نیروهای انقلابی) از این دولت داریم نرسیده اند و "اکثریت مردم حاضر کمیته را تشکیل میکنند و در انتخابات شرکت می نمایند و انتخابات را درست می دانند" و "از دیدگاه آنان امتناع از شرکت در انتخابات در عین حال امتناع از شرکت در حرکت خودشان است" و ۳- در نزد آنان واقعیت و حرکت توده باید و باید در این حرکت "سهیم" شد و بالاخره باید در انتخابات شرکت جست و از این طریق پیوند قوی را برقرار ساخت و بر این زمینه به افشاگری پرداخت. از نقل قولهای همه از "خود در انتخابات مجلس شرکت کردیم".

در نظر اول شاید اینطور بنظر آید که اختلاف بر سر درک از تاکتیک و کار بردآن است، لاکن چنانچه جروه مزبور را عمیق تر مطالعه نمائیم متوجه میشویم که ما با یک درک اکثریتی از روش مبارزه نیروهای انقلابی، مجاهدها و خواستهائی که باید پیش میگذارند، مواجهیم. درکی که وظایف نیروهای انقلابی را باید خواسته های عقب مانده موجود در میان توده ها پائین میکشد و آنرا "تئوریزه" می نماید. وظیفه اساسی نیروهای انقلابی ارتقاء سطح آگاهی توده ها و مبارزه با جریان خودبخودی موجود در میانشان است. این عمل به هیچ روی بر خلاف آنچه فدائیان تصور میکنند، "همراهی" و "سهیم" شدن در حرکتهای انحرافی و خودبخودی توده ها را بهمراه نداشته و بلکه مبارزه با این حرکت را معنی میدهد. مارکسیست - لنینیستها در زندگی و مبارزات توده ها شرکت می نمایند اما به هیچ روی بر عنوان "خدا شدن از توده ها" و "سهیم شدن در حرکت آنان" بر انحرافات این حرکت و تمایلات خودبخودی آنها پیروزه نمیشوند و در آن "سهیم" نمی گردند زیرا اینکار باعث آوردن خودشان به سطح همین خواسته هاست. مثلا اگر مارکسیستها که معتقد به بیفایدگی مبارزات اقتصادی اند و هدف خود را رشد و گسترش مبارزات سیاسی طبقه کارگر میدانند از مبارزات اقتصادی این طبقه پشتیبانی کرده و آنرا بارمان هم می دهند، بدین خاطر نیست که در حرکت توده ها "سهیم" گردند، بلکه بدین خاطر است که مبارزات اقتصادی خود عرصه ای از مبارزه بر علیه سرمایه داران و برای بهبود زندگی کارگران است و خود بخشی از برنامه مبارزاتی کمونیستها را نیز تشکیل میدهد. یک کلام کمونیستها بمنظور پیوندگیری با توده ها خود را در هر حرکت آنان "سهیم" نمیکنند توده مردم را زمانیکه زیر نفوذ بورژوازی و موضعات گوناگون قرار داشته باشد، حرکت خودبخودی این بورژوازی است، وظیفه کمونیستها بیرون کشاندن توده مردم از زیر این نفوذ است و از این رو سر با حرکت خودبخودی مبارزه می نمایند. آن تاکتیک و شیوه ای که با این هدف در نظر داشته باشد در خدمت حفظ نفوذ ایدئولوژی بورژوائی بر توده ها آگاه است و بر فرود آوردن ضربه بر حرکت خودبخودی (اکنون مسیم) صرفنظر در جنبش کارگری بروز نکرده و بلکه شامل بر خورد جنبش عمومی مردم نیز میشود که در انتخابات مبارزه برای تاسیس رهبری طبقه کارگر بر جنبه مسلم بیرون کشیدن این جنبش از زیر نفوذ بورژوازیست.

فدائیان بر این اعتقادند که آن تاکتیکی درست است که "برای توده بطور روشنی قابل درک باشد" و چون تقدم شرکت در انتخابات برای توده قابل درک نیست، پس تاکتیک نادرستی است. آنچه اینجا فراموش شده است، نقش عنصر آگاه و وظایف کمونیستها در آگاه نمودن توده هاست.

فدائیان میگویند توده مردم به حاکمیت کنونی اعتماد دارند. در نتیجه نفی انتخابات برایشان قابل درک نیست. به انتخابات برایشان "قابل درک" نیست. اما فراموش میکنند که وظیفه کمونیستها صرفا نگرانی از توده "قابل درک" است نمی باشد و بلکه وظیفه آنها در نظر گرفتن توده ها و رساندن توده به سطحی درک نمایند. اگر نتوانند تاکتیک های مناسب مبارزه ها و خواسته ها و غیره را بخواهند در آن سطحی که برای توده "قابل درک" است نمایند چه فرقی با خود این توده ناآگاه دارند رسالتشان چه میشود؟ فدائیان با این ... ؟

درسی از ...

بر مبانی وضعیت بغرنج اوج گرفته بود. مسئله حفظ ارتباطی نیروهای انقلابی و اجتماعی و ایستگی آن به نیاز نیاز توجهی نداشت و ضرورت آمادگی روحی مردم را درک نمیکرد. بلکه از این آمادگی می فرامید. حکومت مصدق با آنکه بوجود کانون توطئه در ارتش و ارتباط دربار و عوامل استعمار آمریکا و انگلیس با محافل ارتشی واقف بود، تنها به این بس کرد که عده ای از سران ارتش را با رسیده کند و ریاست ظاهری آنرا بدست برخی هواداران خود بسپارد و سرانجام وزارت جنگ را به وزارت دفاع تبدیل گردانید. سرنگونی تنها با کنار گذاشتن عده ای از عناصر سرسپرده از ارتش و تغییر نام و یا سپردن سمت دارتش بدست افسران بورژوازی ملی مانند همین تیمسار ریاحی که آن روز رئیس ستاد مصدق بود، ماهیت ارتش دگرگون شده و این ارتش در خدمت منافع ملی عمل خواهد کرد. البته بورژوازی ملی بدلیل پیدائی که با نظام ارتجاعی و دستگاه دولتی بدخلقی دارد اصولا جرأت نمیتوانست، یعنی نمیخواست بکند.

این بورژوازی که بسیاری از عناصر تشکیل دهنده و سیاستمدارانش آزادرو ن همان طبقه حاکمه فئودالی کهن برخاسته. ایدئولوژیهای اقتصادی و خویشاوندی مصدقی با سرمایه بزرگ و زمینداری بزرگ مربوط نمیتوانستند و نخواهند کرد که منافع خود را تا حد ممکن با مدارا و مراعات حال آنها پیش برند و در نبرد میان خلق و ضد خلق از قاعده معروف "خیر الامور اوسطها"، که همیشه ورد زبان اعضای این طبقه است، پیروی کنند. در عین حال بورژوازی که از قیام مسلحانه توده ها علیه حتی دشمنان مشترک خودش با مردم هراس دارد و از عواقب پا گرفتن یک جنبش کارگری نیرومند برای آینده خود بیم میکند، تمایل به این دارد که بر ارتش و اصولا دستگاه دولتی حاکم و آماده مانع ایجاد کند. بورژوازی از بیم آنکه مبادا فردا توده های زحمتکش قدرت را از دست او هم چنگ بزنند، از بهم ریختن دستگاه دولتی سابق و ارتش دست نشانده و ضدخلقی وابسته بآن و پی ریختن یک سازمان نوین دولتی و نظامی، که با منافع دمکراتیک و استقلال کشور کاملا وفق دهد، احساس خطر میکند. چرا که لازمه اینکار گسست کامل از طبقات ارتجاعی و وابسته به استعمار و جلب و بسیج توده های زحمتکش به حالت در آمور سیاسی جامعه و ایجاد آمادگی روحی در میان آنها است. این است که بورژوازی و سیاستمداران آن ترجیح میدهند نظامات کهن و دستگاه ارتش با مدارا و سازش رفتار کنند و آنها را حتی المقدور چنان نظور که هستند حفظ کنند، یعنی عملا مارا در انتهای نیرو بر پای نیرو حکومتی یک انقلاب توده ای رها سازند. برای همین هم است که میاندیشه بورژواها و سیاستمداران آنها اعتمادی نمیبرد و رمام امور حتمی را بدستان نمیبرد، چه آنان همیشه مماری در آستین دارند. حتی اگر خودشان را هم روزی نکرد. آنها همانطور که تا سطح وقتا میخواهند بدقدرت برسند، اگر نیروی دنبالی به قدرتی هم رسیدند، میخواهند با سطح وقتا آنرا حفظ کنند - البته سطح وقتا نه نفس مردم!

نمونه اینگونه بورژواها همین آقای بازرگان و یارانشان در دولت کنونی است. اینان هم همین رفتار را اجرا کرده در سر خوردن به دستگاه دولتی ارتش با وجود دولت بودن دارودسته های ضدانقلابی مسکوک و وابسته بدستگاه، با روش سطح وقتا و حتی خنده سازش میرود. اینان هم امتناع دارند که مردم دمکراتیکی را رها کرده و امیدشان را به همین ماشین مالی گردیهای بورژواهائی از نسل همینان، که در روز سرنوشتی هم هم وقتا و حتی تحول نفس نمیتوانند، امروز هم اینان مارا در آستانه پیروزی و مردم را دعوت به آرامش و خیالی میکنند، و اگر کسی حرفی هم بزند به سرچشمه کار زنگی سرکوب میکنند.

امروز سر توطئه انحلال کودتا ضد انقلابی و خانه نشینی از مسئولیت فکری اصلی نقشه ریزان امپریالیسم و ضرب دیده شان مانند الیه موفق بر لی نقشه های آنها شرایط و کمبود ارزیابی متعددی را می طلبد و مدارک عظیم سر سبب بدگمانی میاورد. لیکن در هر حال امر که امپریالیستها و عمالشان دارای امکانات وسیعی برای دست زدن به اقدامات هستند و اینکه بدون یک ارزیابی امکانات بهره برداری میکنند، نشان میدهد. اولا اینکه ما نباید دوکتر خورده گیری و در راس آن دسته ای نگاران گاه دستلطیفی و حشتهای ضد انقلابی و حاه طلب درون ارتش هجوم آور هستند. شناسا گروهها و باندهای مسلح فئودالی و یا وابسته به بیگانه در طول کشور از همان دستجات مسلح بر آن سازمان شبکه نظامی وسیع دارودسته "فیاده موقت" همچنین حزب با اصطلاح دمکرات کردستان غرب و غیره و یکه گاهها و وردست های مهم برای اقدامات ضدانقلابی امپرده امپریالیستی میباشند. ثانیا گروه فدائی طلب و "منروعه چی" درون روحانیت، همان گروهی که از چهره های داغ حسابات خورده و منفوری چون شیخ فضل الله نوری آیت الله کاشانی قهرمان، میبارند، توجه به اوباشی که در اطراف خود مسلح و نفوذ خطرناکی که احیانا در میان بازاری جوانان مسلح دارند، وردست و تحت کردن جوی برای اقدامات دشمنان حزب دست وطن میباشند. در سرا بر آنها در میان نیروهای خلقی و معتقد به انقلاب تنها نیروی مسلح نسبتا محدود و گسسته از نیروهای انقلابی (مذهبی و غیرمذهبی جناحی از پایداران و درصد کمی از راس نیروی مسلح محدود دهانی را انتخاب آور که فعلا تحت پراکنده اند و پاره ای هم توهمات ایدئولوژیکی و یا گرفتار ضعف رهبری هستند.

باید کارگران و سایر زحمتکشان شهری، توده غارت شده کشتیرهات و همه آنها شیکه واقعا این انقلاب به همت و عمر آنان برپا گشت متشکل و مجتمع شوند. نیروی سلیحانی خود بیافرایند و دست مجاهد انقلابی، که فعلا در روستاها بدلیل درگیری مستقیم و تدبیر دهقانان با ملاکان و اجرایان سکوار نده مقابل نظامی حاجانی برای اینکار آماده تر مناسب بوجود آورند. آنهائی که امروز بر صندلی نشسته و چپ و راست فرمانهای فلانی سران بازاری خبری که هر روز از آن محکم صادر میکنند هیچ حالیشان نمیباشد و چه خطر برای خودشان را هم از سوی دشمن داخلی و خارجی ایران مصلحت نمیبینند. امروز آیت الله خمینی گفت که ایران را هیچ خطری تهدید نمیکند. این با حدی با هیچ نه عده ای بود که با است اخبار "وحشتناک" میگویند در مردم بر ایشان ایجاد کند و همچنین به عده ای حزب دست قوت قلب بدهند. لیکن باید گفت که محتوی این حرف، حرف مادر نیست. اگر در همان نوع اطلاعات "شگفت آور" و غافلگیر کننده است که در برابر خطر کاملا قابل لمس و دریافتی که در اطراف نهضت وجود داشت، از یک غفلت نسبی و شکست موضعی ارتجاع این مسئله را ایران مردم سکوت که دولت کاملا مرتجع مسئله است و همه آرام میگیرند. خیر! اینطور نیست که خطر مردم ما و میهن ما را تهدید نمی کند، بلکه در واقع و بقول ما در واقع خطر مسئو، ما در خطر منفوری هستیم. نهضت حاظ باندهای آن سمپاتهائی را که اصولا نهضت و سوگراس با انقلاب آنها اعتقاد بس گرفتن مواضع از دست رفته دارند ویران کرده و در میان مردم آماده ای روحی بدست آورد. حداقل درس از کودتای ۲۸

www.iran-archive.com

اعلام وحدت: گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر و انحادیه کمونیستهای ایران متحد شدند

انتخابات...

استدلال آب پاکی روی اکثریتهم ریخته و آنرا تطهیر می نماید.

گرچه فداییان میکوشند برای تئوریزه کردن این استدلالات بزرگان مارکسیسم را بکمک بگیرند، اما از آنجا که اساسا بررسی انحرافی قرار دارند سیرشان تنگ میخورد. لنین و پلیتیکها وقتی شرکت در پارلمان را مادون دانسته و تدوین آن میروند. میطوریکه آوردن یک وسیله افشاگری، یک تریبون سیاسی یک ابزار کار، چون ابزار کار دیگری است در آنجا تحت ار "همراهی" و "تهیم" تبدل در حرکت خودبخودی توده و اسالیهم. "حداقل تبدل ارتوده" وغیره درمان نیست. هدف اساسا بدست آوردن یک ابزار افشاگری است و پس و مبنای آن نیز بعد استدلالات بی پایه "حداقل تبدل از حرکت توده" بلکه تبدل شرایط انقلابی، ضرورت استفاده از امکانات علنی، تغییر مسیر یکاهل انقلاب و... می باشد و فداییان اگر لااقل از این درجه وارد میشدند، زمینه بحث ما... مسیر و اصولیتری را فراهم می نمودند که خودمان گفتگو دارد. اما فداییان چنین نمیکنند وبلکه قسمت اعظم حروه نامبرده را به توضیح ضرورت "همراهی با توده" وتعقیب تبدل از آنها" سیاه میکنند. حال آنکه آنچه در عمل با آن "همراهی" نمودهاند، حرکت بورژوازی بوده است.

فداییان میگویند، شرکت در انتخابات افشاگرانه تراز عدم شرکت در آن است زیرا "دولت را وادار میکند که موضع خود را بطور مشخص به مردم اعلام کند"، و رسید ماست افشاگری بدست بدهد. اول اینکه مگر این دولت با ادا... ره کافی موضع خودرا اعلام نکرده و ما... هست خودرا بروز نداده که حال بیاید زمینه های جدیدتری هستیم. اینکه مردم هنوز نتوانسته اند دریابند این زمینه ها... نه ماهیت دولت نیستند، نه ناشی از کمبود زمینه ها، بلکه ناشی از کم کار... ی نیروهای انقلابی است که نتوانسته... اند احساس کارآیی که ماهیت این دولت را کاملا برملا دارد براه اندازند و چنین کارآیی با "شرکت در انتخابات" فراهم نخواهد شد. اساسا این میگو... ند: "گفته شود، آزمایشون مفاهیم به نمایش کافی نیست، توده ها باید با... انکار به حقایق مفاهیم شوند که دوما... می فایده است واین نه تنها آن کمک خواهد کرد... این میطور شرکت در انتخابات... نه تنها نکوت ضروری است. درجواب ما چنین میگوئیم: کمبود نیست که آزمایشون با حقایق بمراتب مهمتر از توضیح مفاهیم است. علت اصلی رفتن ما به کردهم آنهای انتخاباتی مردم هم است که درمقابل با اجراب و درمقابله با آنها، مردم حمایتکاری بورژوازی و ارتجاع را بسان دهنده و ابزاری... برای رای دهندگان، "توسلیه حقایق". "آزمایشون" کنیم اگر این رفقا رافانع نمیکند و اگر به همه اینها شرکت در انتخابات را هم اضافه میکنند، آنوقت ما باید بگو... ئیم که انتخابات ریختن با مرتبطین رای به صندوق آراء - تبدل خودرد... ای به به آزمایشون "مفاهیم" وسه به آزمایشون "مسیر مرحله ای" اما... ه میکنند. اما بدنه ناشی از آن زیاد است، زیرا توسلیه این "آزمایشون مسیر مرحله ای" طرفداران شرکت در انتخابات با آگاهانه تاسیس دوما را

چندی پیش بدنبال یکسری همکو... سیها و مباحثی که به وحدت کامل بر سر مواضع ایدئولوژیک، سیاسی، تئوریک و تشکیلاتی و خط مشی و برنامه مبارزاتی انجامید دو جریان "گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" و "اتحادیه کمو... نیستهای ایران" وحدت نمودند و امروز تشکیلات واحدی را تشکیل میکنند.

ما امیدواریم که این وحدت که خود ناشی از ضرورت های فزاینده جنبش کمونیستی ما است بتواند گامی هرچند کوچک در راه وحدت مجموعه جنبش کمو... نیستی ما باشد و در مسیری تکامل یابد که نیازهای جنبش کمونیستی ما طلب میکند. ناشی امیدکه روزی همه کمونیست... های ایران در حزب طبقه کارگر متشکل و متحد گردند. آنچه در این مرحله بدنبال آن بوده است که "گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" چندی پیش در معرفی خود وحد... تی خویش منتشر نمودند ما بطور آشنائی خوانندگان "حقیقت" آنرا مجددا منتشر مینمائیم.

• • • •

در حدود سه سال پیش ما بصورت یک محفل از عناصر رزمندگی بودیم که بحث نا... نیرا فکار کمونیستی بمطالعه وتحقیق می... پرداخت. اما به دلیل عدم دسترسی به کلاسیک های (م-ل) از یکسو و از سوی دیگر به دلیل مسلط بودن منی چریکی بر جنبش کمونیستی ایران و "تنها راه مبارزه... ورزم واسه به امپریالیسم شاه" حاکمش را مبارزه مسلحانه بصورت چریکی میپنداشتیم. از همین رو برای آماده کردن افراد و آشنائی با عملیات چریکی به کوهنوردی، راهپیمائی و آموزش در این زمینه میپرداختیم. عناصر تشکیل دهنده محفل در این مرحله دارای خصوصیات طبقاتی گوناگون ونظرات سا... روش نسبت به مارکسیسم - لنینیسم بودند که این امر به منها از ضعف تئوریک، بلکه از پائین بودن سطح مبارزه طبقاتی و در نطفه بودن نمادهای جامعه نیز سرچشمه میگرفت.

بدنبال مطالعه وتحقیق و برخورد با یکسری از آثار (م-ل) و آشنائی با اصول ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تا... ریخی و کار در زمینه ارتباط با توده مردم و بررسی بیشتر در این زمینه، پی بردیم که منی چریکی نمیتواند به نیازهای انقلاب ایران پاسخ دهد و این منی نمیتواند طبقه کارگر و توده های زحمتکش را آگاه و متشکل سازد.

انقلاب ایران در این مرحله انقلابی است ملی و دمکراتیک (از طرز تولید) که با توجه به خصلت بورژوازی در عصر امپریا... لیسم و در دوران احتضار و گندیدگی سرمایه... داری، رهبری بروتئاریا بر این انقلاب امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. رهبری طبقه کارگر نیز با دریک حزب کمونیست که از پیشرو ترین وآگاه ترین کارگران و روشنفکران انقلابی (م-ل) متشکل شده با امکان پذیر است. مهمترین دلیل برای ایجاد این ارگان (حزب طراز نوین طبقه کارگر) اولین قدمی که روشنفکران انقلابی باید بردارند تبدیل طبقه کارگر و شرکت فعال در مبارزات سوسیالیستی وطبقاتی آسان است.

همزمان با برنامه مطالعاتی که محفل در پیش گرفته بود و پس از برخوردی که با آثار (م-ل)، و پیروی راندن عناصری که با نگاه توده ای نداشتند، مساله رویزیونیسم و سو... سال - امپریالیسم نیز در درون جمع مطرح گردید. پس بررسی این مسائل باعث شد که مبارزه در درون محفل بصورت آشکار و روز... افزونی خود را نشان دهد. بطوریکه در حقیقت محفل به دو بخش تقسیم شد. یکم بخشی که منی چریکی را منی درست و نیروی را بیشتر که به مساله [illegible] بخش

وهم نیروی را بعنوان یک کشور غیرسوسیا... لیستی می خواند. بدین ترتیب محفل عملا بر دو بخش تقسیم شده وجداگانه به حیات خود ادامه داد. ماجرای آن بخشی بودیم که نظریات اخیر را پذیرفته بود، اما در این زمان محفل ما تصور از نظر سئوری وآگاهی (م-ل) در سطح بسیار پائینی بود و بهمین دلیل بیشتر موا... قع بصورت نادرست وچپ روانه با مسائل بر... خورد می کرد. از این رو مطالعه آثار (م-ل) و طرح یک برنامه تئوریک در دستور کار قرار گرفت و همزمان با آن رفقا شروع به نمود در درون کارخانه ها نمودند. البته به دلیل ارز... یابی نادرست از نیرو و توان محفل، رفقا در شهرهای مختلف وبطور پراکنده اقدام به این عمل نمودند. در طول این مدت تمامی رفقا بدرون کارخانه رفتند (بعنوان کارگر ساده یا فنی) و مبارزه ایدئولوژیک در درون محفل ادامه داشت وکوشش می شد که انضباط تشکیلا... تی در محفل ایجاد شود وکار تشکیلاتی و تر... وبجی در درون کارخانه ها به پیش رود. لیکن در این حرکت مذبوحانه با مسائل و مشکلات بسیاری روبرو گشتیم که فا در محل عملا می آنها نبودیم در این مدت که محفل تقریبا بصورت غیرعلنی در آمده بود، به علت عدم آشنائی با کار تشکیلاتی وضعف تئوریک، با دست خود مشکلاتی را سیرا ایجاد کرده بود که مهمترین آن برداشت غلط محفل نسبت به امر پیوند با طبقه کارگر و پرولتریزه کردن رفقا بود، بطوریکه در این مدت به خاطر خصوصیات چپ... روانه موجود در جمع، رابطه خود را با تمامی عناصر روشنفکری وغیرکارگر قطع نموده ونقش آنان را در کمک به انقلاب نادیده می گرفتیم.

در جریان حل این مشکلات و پس از بر... خورد بیشتر با اصول (م-ل) وتجربه نزدیک عینی به این حقیقت که نمی توان بدون داشتن یک تشکیلات و برنامه اصولی، کارگران را متشکل نمود و در میان آنان به تبلیغ و ترویج دست زد، پی بردیم. از یکسو بسیاری ایجاد تشکیلات و برقراری نظم در درون خود برای نفوذ بهتر در بین کارگران جهت ایجاد هسته های کارگری که آنرا امری ضروری دانسته، چرا که ریشه بسیاری از انحرافات موجود در جنبش کمونیستی را در درک نادرست وجدائی از طبقه کارگر (شرایط زندگی ومبا... رزاتش) و سایر زحمتکشان میدانستیم، دست اندرکار شدیم.

در این رابطه دو نظریه در درون محفل بوجود آمد، یکم اینکه عده ای معتقد بودند که محفل بایستی نیروی خودرا از کارخانه بیرون کشیده وبعدا تنظیم یک برنامه اصو... لی که بتوان براساس آن هسته کارگری ایجاد کرد، دوباره به کارخانه باز گردد. دو... نظریه دوم معتقد بود که باید در همین شرایط پراکنده و بهینه برنامه و ایجاد تشکیلات آغاز پرداخت.

پس از بحث طولانی بر سر این نظریات بالاخره به این نتیجه رسیدیم که نظریه دوم صواب بیشتر به پراکندگی و پراکنده کاری دامن میزند تا به ایجاد تشکیلات و برنامه اساسی، چرا که در این مدت نیز خصوصیاتی در بعضی از افراد دیده شد که در درون جمع به تفرقه وجدائی دامن میزد، بطوریکه محفل دچار خرده کاری، دوباره کاری و بدنسال جریا... نات خودجوی افساد ن وعدم توانائی در سازماندهی وسکارگیری اعضا گردیده بود. این مساله ما مدتها نیروی محفل را به تحلیل برد، تا اینکه رفقا یک مبارزه درونی جهت متکل نمودن وجلوگیری از انحرافات دست زدند. لازم بیادآوری است که در این مدت بخشی از نیروی محفل از کارخانه بیرون آمده وبخشی دیگر کار خود در کارخانه ادامه دادند.

در جریان مبارزه درون تشکیلا... تی عناصری خواستار طلب وجودخواه که [illegible] خاکستر خود را بر محفل می [illegible] و در حقیقت [illegible] البته در [illegible] جمع [illegible]

این بیماری خطرناک وبطور کلی [illegible] انحرافاتی که محفل دچار آن گشته بود [illegible] را دیده شدند.

بدنبال این عمل وپس از یک جمعبندی از وضعیت نیروها با پیش پا گذاشتن یک بر... نامه در مورد فعالیت رفقا، برای فراهم کرد... امکانات بجا طرح تشکیلات، دوباره شروع بکا... نمودیم.

نکات اصلی جمعبندی:

۱- وجود افرادی در درون محفل که با یکا... زحمتکشی داشته وقبل از اینکه بوسیله تئوری... خواستار پیوستن شوند زندگی ما دیشا... آنها را به این راه کشیده بود.

۲- بی تجربگی مبارزاتی وکمبود مواد تئو... ریک

۳- قطع رابطه با روشنفکران وبرخورد کم... مارکسیسم وهمچنین عدم ارتباط با دیگر نیروهای انقلابی

۴- نادیده گرفتن نیروهای دموکراتیک و مبارزاتشان

۵- توجه نکردن بکار دموکراتیک بعنوان بخشی از وظایف (م-ل) ها

۶- قابلیت پذیرش اشتباه در درون محفل

۷- صداقت محفل برای رسیدن بوحدت وتشکل وانتخاب شیوه درست مبارزه.

در این فاصله زمانی با یک هسته (م-ل) آشنا شدیم وتماسهائی بین محفل وهسته بر... قرار گردید، که پس از یک دوره فعالیت مشتر... وهمکوشی های ایدئولوژیکی - سیاسی وعملی ورسیدن به اندیشه وبرداشت واحدی از مسائل ووظایف مقابل جنبش انقلابی ایران، در جریان نامبرده در مهرماه ۵۶ بوحدت کامل رسیده وبا نام "گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" کار خودرا در سطح توضیحی آغاز کردند.

همزمان با اوج گیری وگسترش مبارزات حق طلبانه توده های زحمتکش بر علیه رژیم پهلوی، رفقای گروه پس از تدوین مرامنامه ومواضع ایدئولوژیک وهمچنین اساسنامه اقدام به ایجاد تشکیلاتی برپایه ها... ساختار دمکراتیک نموده ونتایج را عضا را برحسب توانائیشان در هسته های مختلف جای دادند.

بدین ترتیب توانستیم در سه منطقه کردستان، خوزستان وتهران هسته هائی جهت کار سیاسی - تشکیلاتی ایجاد کنیم. اما فعالیت بیرونی چشمگیری نداشتیم. بطور... فعالیت بیرون گروهی ما از پخش اعلامیه در سطح جنبش. آنهم به درشتها می مقابل بیشتر تجاوز نمیکرد. (لازم بیادآوری است که در ابتدا به تکثیر پاره ای از اعلامیه ها وبرا... های سازمانها وگروههای سیاسی دیگر پرداختیم که از آنجمله میتوان بخش م... سازمان مجاهدین خلق، اتحادیه کمونیستها... ایران، گروه انقلابی کارگران خوزستان نام برد.)

در بهمن ماه ۵۷ رفیق مسئول خوزستان که برای ارتباط به تهران آمده بود با سبب با بی مبارزات مردم وآغاز فعالیت مسلحانه در تهران وبرخی از شهرستانها، در جریان حمله زرهمندگان خلق در سپیده دم پیروز مبادانه سحر پاسداران جمشید آباد در روز ۲۲ ۵۷/۱۱ هدف گلوله مزدوران جلاد قرار گرفته وشربت شهادت نوشید.

این امر مشکل جدیدی بر مشکلات قبلی ما افزود، بطوریکه ارتباط با هسته... مرکزی خوزستان قطع... وازطرف دیگر انتخاب رفقای... اعضاء با پذیرفته شده وپس از بررسی مشکلات درون گروهی وبرخورد انتقادی به گذشته و... درک ضرورت شرکت هرچه بیشتر در جنبش دمو... کراتیک ومبارزه کارگران، برای تغییر مسیر... کیفیت رهبری گروه وتقسیم مسئولیتها جدید... هسته ها، اقدامات لازم را بعمل آورده، فعالیت گروه را بعنوان یک واحد ادامه دادیم.

اینک ما با درک روشنی از ادامه مب... [illegible]

www.iran-archive.com

حقیقت
۲۰ مرداد

انتخابات ...
باید آنرا محکم بکند. این رضا
حکومت میخواهد این مدعه بزرگ را خیلی
کند. از طریق رجحان کاندیدای رای
صندوق آرا؟! این هیچ ارزش تحقیق کردن
راهم ندارد!" و اساس ... دوهای
دولتی و باکیک سوسیال دموکراسی
مجموعه آنان، خلد تک ...

آری رفقا. بقول خودشان سیرو
های انقلابی باید میان توده‌ها بروند،
درحرکت آنان شرکت کنند و بانای صندوق
های رای پوسته برای آنان توضیح دهند
اما چه صور؟! اینکه یک سلسله اشخاص
مدافعان رای دهندگان در این انتخابات
بدموکراتیک شرکت کنند؟ انتخابات
سئوال اساسی مربوط به اتحاد باکیک
و موضع صحیح.

میگویند اگر شرکت نکنیم، دولت
بما میخندد" معنی باد" و میزد خواهد
ردوما با برگ خودش اسلحه را از دست
او خواهیم گرفت. دست مرا در!" میگو
امروز که شرکت کرده‌اند، دولت چنین
برخیزی را بما نمیزند! میگویند اگر
ما شرکت نمیکردیم، دولت میگفت این
رادیو و این تلویزیون، چرا اینان
استفاده نمیکنند! عنین اینکه آنها
دموکراسی میخواهند، خرج و مرج میخواه
ند..." خوب، حالا شرکت کردند و رادیو
وتلویزیون هم تحت کردند و دهان دوب
نه راهم بستند خوب امروز آنها رسمه
جدیدی را برای برخورد بی با قدرت
مدا بیدا میکنند؟ میگویند، دیدید!
در رادیو وتلویزیون هم تحت کردند و
معلوم شد با مشتی درکاران قاتل
تسلیم و بارهم رای ساوردند ومعلوم
شد که مردم آنها را نمیخواهند! خواهیم
گفت با سوز گرده‌اند و وقت مساوی نداده
اند و در این رسمه اقاکری خواهیم کرد.
اما رفقا آیا صحیح بود که شما
کجا میروید؟ مگر دعوای ما با این دولت
سر "وقت مساوی" و غیره است که از
آن بخواهیم بعنوان کار را استفاده
استفاده کنیم؟ مسائل اساسی انقلاب
لاینحل مانده‌اند و ما خود را در یک جریان
سیاست انحرافی و ایجاب میل لیبرال
لیبرال انداخته‌ایم. می‌بینید، کام انحر
افی اول را که برداشتیم، نقشه بدنبالش
خواهد آمد.

فداییان میگویند شرکت در انتخا
بات بدون توده‌ها کمک میکند و عدم
شرکت بیرون از توده‌ها جدائیکه ندارد
رنگ مبارزه هم ندارد. روشنگرانی
میگیند که منظور مردم آنها را بر سر
دست بگیرند و قهرمان آنها بشوند و آنها
رهبر شوند. قبل از اینکه تحت خود
مان را مشخص توجه رفقا بر این نقطه
رهبر اساسی، که گویی در تاریخ
این استدلال فداییان توسط عده جلب
می‌نمائیم. اساسی میگوید: "گفته
میشود، با شرکت نیروان را از توده‌ها
جدا میکند زیرا با شرکت فقط نیروان از
سا بیرون خواهند کرد ولیکن توده‌ها با
ارتجاعیون و لیبرالیها باقی خواهند
ماند و بسوی آنها کشیده خواهند شد. در
جواب میگوئیم. اگر چنین باشد، بدین
معنی است که توده‌ها را بر اساس
سیاسی میکنند و بر حالت سوسیال
دمکرات‌ها را نیروان مبارزه‌گان خود
انتخابات بخواهند کرد. هرچند رغم که ما در
انتخابات شرکت خواهیم. انتخابات در
خود هیچ عنوان نمیتواند توده‌ها را
انقلابی کند. در مورد آرا سیون در انتخا
بات هم باید گفت هم که ما انتخاب
ارجاب هر دو طرف تبرئه میشود با این
انقلاب که مدافعین با شرکت که از سیا
سیون مبارزه با سیاری با توده‌ها بر
مشکلی را بر عهده دوما به پیش میبرند

اعلامیه ...
رادیو تلویزیون مطبوعات ... را
... مدعاهای ... که رفرمیست عمل آنها
وسهیم بردن به مبارزان و محض مقابله
تحریک آمیز مدعای مسلوب‌ها مقر مردم این
کشور را در مقابل و غرب و صوب کشور ...
کرده‌اند حداقل منافع و مصالح مردم حساب
میکنند. اجرای دروغ پردازی‌ها و کا
ملا مدعاهای سیاسی عوامل حکومت
جمهوری اسلامی ... کنند انقلاب و آزادی
مسلح باد این میخواهند.

تحمیل! مقامات ارتجاعی و همکاری و همنشا
نی با سیاست‌های ضد انقلاب و اتحاد ... و
وقتی این مردم دم میزنند که خود ... و
وکه ... میخواهند که خود ... در
... اساسی ... در حرکت
رسان با سوج موضع ... و ... مبارزه
با واکاهانه آیت الله کرمی علیه کارگران
... و مردم خوزستان توسط محمد ... و
... را ... که ...
مسموم ... این ... و
است. داروده و ... و ... دوالی
"ساده موقت" را میهمان خود ... دادی
که و ... دهقانی در کردستان و آذر
بایجان ترکی ... مجدد، کاسی که ...
با مرجان و ... قبائلی قشودال و دلال
احاب ... دهقانان فارس هم آوا ... ...
... مجدد ارتجال آمریکا و ... برای
... مقامات قم و تهران ... ...
میکنند و قرار داد ... مجدد، کاسیکه داده
کاهیهای انقلاب را ... میکنند ... برای
حماسکاران و ... با مخلوع ... عمومی
میکنند و انقلابیون و آزادیخواهان را در
مقابل ... میاندازند، کاسیکه ... ...
سرمایه در سرحی مطبوعات و سوسط گروههای
مورد حمایت ارتجاعیون مقر روحانی چون
شیخ خل الله موری، سوکر محمد علی شاه
و آیت ... روس در انقلاب ضروط با آیت ...
الله گاشانی و کل مجلس موسان رمانی
و همدست در با روضا ... آمریکا در کودتای
۲۸ مرداد مدح و ثنا میکوشند و انقلاب اول
مردم ایران و جنبش فدا مهر با ... سال ...
ذای ۳۲ - ۲۹ ... میباشند و ... کسانی
که همدستانی آمریکا ... دروغ پرا ... آمریکا
و ... در کشورهای ایران ...

مدافعین شرکت در "انتخابات" ... را
استفاده ... ممکن است مردم را ...
مقابل ... رای دادن و ... ندوجنین
کاری در برنامه مدافعین شرکت در انتخا
بات نمیگنجد." (اساس، همانجا)

شرکت در انتخابات تحدی خود انقلاب
سون را به توده‌ها برنگ ترسی نمایند،
آنجا آنها را در حقیقت و به در قرم به توده‌ها
برنگ میکند. آیت که آنها با ...
با سند خواسته‌های واقعی توده‌ها از ... ...
خواسته‌هائی که آرزوی با آگاهی دارند،
را فرموله نموده و به ... و ... ...
توضیح دهند. توده‌ها با ... کسانی نمود
خصوصی می‌یابند. توده‌ها در ... ...
... سطح آگاهی و موقعیت ... دارای
... ...
... ...
... ...

حقیقت
۲۰ مرداد

درحاشیه جهاد سازندگی

اخیراً بدنی است که حمله شدیدی از سیاست عمومی "دولت موقت" در رابطه با دهقانان، بدور سیاست جهاد سازندگی در روستاها گرد خورده است. بنمایندگان این سیاست سلطنت وسیعی در رادیو و وسیله و سرمایه و کوچه و خیابانها از کلنطرف و سوت و با ایجاد انجمن ها و دوائری تحت لوای اسلام برای بسیج جوانان و دانشجویان و طلاب اوجی تا رهنمای دولتی و غیره ایران پیاده کردن از طرف دستور کار گذاشته است.

بررسی سیاست جهاد سازندگی بنا بر تو بررسی سیاست عمومی "دولت موقت" پاره دهقانان و هم چنین بررسی مراسط کلی روستاها میرا است. ما در پاره های گذشته نشان دادیم که در جریان انقلاب و پس از بعد از پیروزی رژیم سابق، حرکت وسیعی در روستاهای ایران از جانب دهقانان بوجود آمد. دهقانان کم زمین و بی زمین برای کسب زمین و حل مسئله ارضی آغاز کننده که تا حد مبارزه مسلحانه بر علیه فئودالها و عوامل شان و همچنین عمال سرمایه داران وابسته و امپریالیسم تحت رهبری شوراها و اتحادیه های دهقانی ادامه دارد. سیاست "دولت موقت" در ابتدا آن بود که با آنکه قدرت را در دست کار عمومی اجاره میدهد را سرکوبیده و بطور مستقیم و غیر مستقیم دست فئودالها و عوامل آنها را که در صورت لزوم از حمایت کمیته های برسر خود دارند) بر علیه دهقانان و جنبش شان بکار گذارد.

[illegible] درسال جاری سال جدید نمونه و پاره نمایی از این سیاست "دولت موقت" و مبارزه دهقانان بر علیه آن بود. بعد از فرا رسیدن و نزدیک شدن فصل برداشت محصول، سیاست ضد انقلابی دولت در جلوگیری از مقسیم زمین توسط شوراها و اتحادیه های دهقانی با سیاست جلوگیری از برداشت محصول در زمین های تقسیم شده توسط دهقانان همگون گردید. و خرداد ماه امسال معرف که تا حد صحنه خونینی از سرکوب دهقانان توسط فئودالها و عوامل رژیم سابق و هم چنین عوامل "دولت موقت" گردید. ولی مقاومت و مبارزه وسیع دهقانان تحت رهبری شوراها و اتحادیه های خویش "دولت موقت" را مجبور به عقب نشینی موقت در اجرای سیاست خود نمود. ولی سال آن فئودالها و عوامل مزدورش سرتاسر حادی کمر در ریشه برداشت محصول عقب نشینی نمودند. ولی قصمان از در دیگری وارد شد و برای کنترل بازار محصولات کشاورزی، بنوبه خود احتکار محصولات را طرح ریزی نمودند و از طرفی عوامل خودبه دهقانان سپاه نمودند که ما بین ۱۰۰ تا ۱۰۰ [illegible] اما به سرقت بازار رخوانان [illegible] "دولت موقت" که در سیاست های دهقانی [illegible]

سلطنت مقاومت دهقانان بظاهر عقب نشینی نموده و سیاست [illegible] برای کنترل جنبش دهقانی و برداشت محصول و هم جنبش مقاومت با کمک فئودالها و هم جنبش [illegible] نمود که دهقانان با [illegible] اردهقانان از کلنطرفی ۱۲ ریال به ۱۸ ریال و بدون جهاد سازندگی بود [illegible] به سیاست سرکوب جنبش دهقانی توسط دولت موقت آنکه با همراهی فئودالها و مزدوران [illegible] سیاست نمودند در روستاها [illegible] کنترل آن و هم چنین کنترل مسئله برداشت محصول آنکه با توجه به ربا در بدن سطح زیر کشت دهقانی نسبت به گذشته و دوران رژیم سابق، برداشت محصول تنها برای سرمایه داران [illegible] سرمایه داده شده و برای مسئول اخیراً "دولت موقت" تا مددگیری از جرده سوزواری [illegible] و مقیت به تسلیح [illegible] توسط حواریان و دانشجویان و طلاب آنکه با توجه به رشد سازندگی در شهرها، ایام تابستان عملاً فارغ کار گردیده در شهرها بودند آنکه در میان آنها عوامل متشکل و ضد انقلابی [illegible] داده شده بود. عوامل متشکل که گاه با از سرویس [illegible] کنترل و شناسائی انقلابیون [illegible] در روستاها را [illegible] نمودند. (همین چند روز پیش بود که عده ئی را در جهاد سازندگی که حامل مواد مخدر و مسروبات الکلی بودند دستگیر کردند. و ما در اینجا بطوریکه اطلاعات ۱۷ مرداد گزارش میکند دانشجویان و متنوایس سازندگی بازداشت شدند.) کردهای مجلس پیشوان اعزامی بوسیله موجود مشخص شده و خواستار انحلال شورای فعلی جهاد سازندگی، تعویض رئیس شهربانی و توسعه مبارزه با مواد مخدر شدند). ولی شهر حال بسیج جوانان تحت لوای اسلام و اعتقاد به جمهوری اسلامی و مقابله با "خرابکاران" در روستاها و کمک به سازندگی روستاها صورت میگیرد. بعنوان مثال آیت الله [illegible] شیرازی ضمن دعوت از مردم جوانان برای کمک به دروی محصول در اطلاعیه خود خاطرنشان میکند که: "البته همگی سعی خواهند نمود که جنبه های دینی معاد مراعات شده و مداکر استفاده و بهره برداری از امر [illegible] کوتاه در جهت سیاست اسلامی بود." [illegible] شماره ۲۸ سرتاسر اطلاعات تاکید دارد [illegible] سبک کلام جهاد سازندگی "دولت موقت" الگوی تاضی از سکت خورده و رژیم [illegible] سعی سیاست [illegible] سرویس و آماده ای گردیده. سعی سیاستی که برای کنترل روستاها و دهقانان و بنوبه خود [illegible] انقلابی در میان آنان [illegible] گردیده بود. این جهت است که انجمنهای اسلامی [illegible] بوده و کاغذی برای جوانان یکی از دستگری متوسط و ایجاد گردیده اند.

[illegible]

مبارزات دهقانان رجاآباد

ما در صفحه "شماره ۲۱ اول [illegible] ۵۸ طی گزارش کوتاهی از مبارزات دهقانان روستای رجاآباد فارس منتشر نمودیم. جوانندگان را در مورد [illegible] مبارزه دهقانان این روستا قرار دادیم. [illegible] تاریخ اخیر مبارزات مالکی از آنجا که مالک اطلاع داده، عبدالله خان قوامی، پسر در مورد میرالله خان معاینه مجلس منطقه [illegible] نموده بود با موظف نمودن کدخدای [illegible] و بعضی از اقوام مزبور که کدخدا در [illegible] دستگیری [illegible] آگاهی دهقانان و عضو مسلح بودن آنان بود استفاده کند و [illegible] مبارزه رئیس که در روستا های اطراف رجاآباد بالا گرفته بود در آنجا موفقیتی نکسب رو برو کند. در ادامه آن گزارش [illegible] شویم که دهقانان رجاآباد بدنبال [illegible] بوسیله [illegible] مالک و کدخدای ده، بسیاسی ۶ روستای مجاور را از خشم خود بدست آورند. و اینک ادامه گزارش این مبارزه را از سر نشان بعمل میکنیم.

دهقانان مبارز روستای رجاآباد که در گذشته مبارزه خود، بخاطر عدم آمادگی کافی و رعایت عوامل مالک در صفوفشان [illegible] شکست روبرو شده بودند، مجدداً صفوف خود را متشکل کرده و با بدست آوردن پشتیبانی دهقانان ۶ روستای مجاور رجاآباد در اواسط [illegible] ماه در حدود ۲ هکتار از زمینهای اطراف ده را برای امر ماه و کاشت خود به تصرف درآورده و در میان خود تقسیم میکنند. دهقانان پیشروی رجاآباد، میدانستند که سپاه اولین گام برای تصرف اراضی قابل کشت روستا میباشد. و در این حال دهقانان پیشرو مسطر فرصت بودند تا با اقدامات انقلابی خود [illegible] اگر بیت دهقانان [illegible] وسیع کننده رجاآباد را در [illegible] اطلاع داده [illegible] مالک دعوا [illegible] را بخاک بیندازند. در همین زمان عبدالله [illegible] قوامی توسط پاسداران بخاطر وابستگی به دربار و رژیم مخلوع دستگیر شده بود ولی این مالک مقتدر با شرح مسائل هنگامی [illegible] از زندان آزاد شود و در اسطار دادگاه و مجازات [illegible] گردد. در اوائل مرداد ماه گروهی از دهقانان [illegible] برای اعلام موضع خود بدفتر جامعه قوامی میروند. آنها به نزاع قوامی میروند تا با او بگویند که دیگر حاضر نیستند به ظلم و سیاست قوامی و [illegible] تن بدهند. دیگر [illegible] خواهند داد که رنج گذار دهقانان گرسنه و بی چیز باشد. ولی [illegible] آن قوامی ها و [illegible] دهقانان به [illegible] خود پی برده اند [illegible]

[illegible] مالک و [illegible] اعلام [illegible] اعلام [illegible] دیگر [illegible] دهقانان [illegible] دادگاه [illegible] دهقانان [illegible] مالک [illegible] دهقانان [illegible] دهقانان [illegible] دهقانان

حقیقت
۲۰ مرداد

اخبار مبارزات دهقانی

حمله وحشیانه خانواده کریم رشوت مالک به آبادی رش‌نش به یک پیرمرد دهقان اهل همان ده

چندی قبل کریم رشوت مالک قریه رش‌نش، با عده‌ای مالکین تاج بگیر سه قصدآبادی و گروهی سپهره مالک به همراه عده‌ای از اقوام و آشنایان به آبادی قوی بورش می‌برند. اما این بار یکی از دهقانان بنام محمدعلی پریمحمدی را که به سیاهی مشغول کار در مزرعه‌اش بود بچنگ می‌آورند و پیرمرد بیچاره را آنقدر کتک می‌زنند که نزدیک مرگ کرده و او را این بطور مقابل می‌کنند که او را کشته. اما این شکنجه‌گران بیرحم بهمین اکتفا نمی‌کنند و بعد او را می‌برند که بیهوش می‌شود. بهانه‌ای به مجرد اینکه پیرمرد مرده است از کتک زدنش باز می‌ایستند اما دو هزار تومان پول بعد، دو کیلو تخم هویج و ماست چینی متعلق به این دهقان را با خود می‌برند. دهقان مزبور در اثر این کتکها بزرگوش و لنگ شکسته و خونین می‌شود. در بیمارستان از قسمتهای بدنش خونریزی آغاز شده، قسمتهایی از ضرب دیده (بطوریکه اکنون بسختی نفس میکشد) و جدیداً بسکته میشود. پیرمرد بدین از بیهوش آمدن بکمک اهالی آبادی بمرزوان میرود، در بیمارستان جراحات او را بانداژپیچی کرده و یک ماه استراحت برایش میبینند. و او بدین شکایت به دادگستری و اتحادیه دهقانان مریوان میبرد.

این هم نمونه دیگری از رهبری و وحشیگری های مالکین بزرگ که برای چپاول مردم هیچگونه رحم و عقلی سرشان نمیشود. این دارودسته باید بدانند چنانچه این اعمال جنایتکارانه ادامه دهند کارشان بی‌جواب نخواهد ماند و به تندترین وجهی برای اعمال جنایتکارانه‌شان را خواهند دید.

مرگ بر مالکین جنایتکار و ماجراجو

ارفقای کریم رشوت!

"گروه طرفدار آزادی زحمتکشان"

قطعنامه

قطعنامه اتحادیه دهقانان مریوان و اورامان و قریه "ولهزر"

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از سرنگونی رژیم ننگین پهلوی و قطع بگیر و بندهای ساواک منطقه تمام اقشار و طبقات مختلف در سراسر ایران در جهت مسائل خود و کمک به انقلاب ایران در اتحادیه‌های خود متشکل شدند. برای ملوکی از روز و سم، برای تأمین عدالت اجتماعی و رفع گرسنگیهای خود دهقانان شهرستان مریوان اقدام به ایجاد اتحادیه دهقانان (به کمیته‌ی جوینباران) نمودند. رهبران مردم

[illegible] سمیها قرار گرفته اند بحثی [illegible] داروسته پیشون [illegible] قرار گرفته و بنا اعدام گردیده است.

این اتحادیه از اعضای مردم بسه آبادی حروبیدندس عنوان که هستند [illegible] هجوم و ظلم قرار گرفته همه با هم مقابله با آن برمیخیزند. که بعد از سلاح زیاد در روز بروز بعداد [illegible] اتحادیه مذکور پیوسته دهقانان استقبار داشته بعلی وجود آمدن این اتحادیه دولت جمهوری اسلامی از که خود را حامی [illegible] رحمتکش میداند [illegible] پشتیبانی و در مقابل [illegible] آنها موضع خود را گرفته و بر علیه اتحادیه دهقانان، آگاهانه با آگاهانه دولت در جهت عکس این جریان قرار گرفت. برای نمونه مسئولین به عرب شهای زیر اشاره کرد.

[illegible] موضع به کارگران حامل آذوقه برای دهقانان رانده شده از اطراف ارومیه (آواره شده بوسیله ارتشیان).

۲ - خلع سلاح بعدادی از روستاهای عضو اتحادیه بوسیله افراد ساده موقعی که خود را معاینه آیت الله خمینی و احمد مفتی زاده معرفی میکردند.

۳ - طلوگیری بکردن دولت از رفتن دالهای منطقه (ارتشیان) با زال که مجرمه آوردن چندین خانواده در آن منطقه گردیده است.

اما به گوری چشم مرتجعین و ماواکیهای دوران رژیم پهلوی اتحادیه به ارتشی های خود را بیش از پیش اعلام کرده و استحکام یافت.

بخاطر بودن نیروی مسلح برای مبارزه با عناصر ضد انقلاب در منطقه و پیشرفت نیرات انقلاب اتحادیه دهقانان اقدام به تشکیل چنین نیروئی نمود که اکنون بنام "پیشمرگه‌ی به کیه‌ی جوینباران" بر علیه مرتجعین و مستبدین و عناصر ضد انقلاب فعالیت میکنند.

از آنجائیکه این نیروها از به چشم جاسوسین به مردم نمود شروع به سیاستی بر علیه این نیرو نمودند، اما افراد تشکیل دهنده این نیرو ثابت کردند که تا پای جان حامی و پشتیبان دهقانان و خون شیطان و جاروجنجال طالبان هستند.

اتحادیه دهقانان که هر چند همه تکثیر از نماینده دهات منطقه دعوت و اقدام به تشکیل جلسه مشاورت کردند که در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ در محل آبادی وله زیر با حضور نمایندگان ۶۲ آبادی و بیش از ۵۰۰ نفر از مناطق اورامان، خاوه‌میرآباد، مرنیو، کلاسرزان، کوماسی تشکیل شد. بعد از گفتگوی زیاد و تبادل نظرها به کمیته‌ی موسوم به "خواستهای حوزه از مردم و دولت" مخصوص دهقانان و خون شیطان به شرح زیر اعلام کرد:

۱ - برای جلوگیری از فلسفه و روزی بیش در منطقه نیروی مسلح تشکیل شود که محصول از رحمتکشان دهات در زمینه‌ها، باغها و محصولات آنها محفوظ باشد.

۲ - ما بعضی از برنامه‌های دولت را که از مرتجعین حمایت میکند، مانند مسلح کردن ماها و ماواکیهای "حامی و پشتیبانی از منافع موقت" به شدت محکوم میکنیم.

۳ - موضوع اقدامیکه صحرا لطمه آوردن به منافع مردم مخصوصاً دهقانان و خصوصاً [illegible] اتحادیه‌ها و آگاهیها به [illegible] سازمان و اداراتی چون شناسائی و کاریابی از طرف اتحادیه دهقانان و افراد شرکت کننده در جلسه محکوم است.

۴ - ایجاد کانون "به کیه‌ی جوینباران" در مریوان جهت تعقیب کارهائی که به دهقانان و خون شیطان مربوط است.

۵ - ما خواستار رجوع جمعه علی کردوری به [illegible]

۶ - تعیین نرخ محصولات کشاورزی به [illegible] نظارت مستقیم [illegible] جوینباران باشد.

۷ - ما خواستار کار زیر نظر کارگران در منطقه هستیم تا کارگران آواره شهرها بشوند.

۸ - ما پشتیبانی خود از رفقای دهقانان قریه [illegible] اعلام میداریم.

۹ - چنانچه کسی در آبادیها و در مخالفت با اهداف و برنامه‌های اتحادیه دهقانان اقدامی نماید، فعالیت آنها محکوم و به آنها هشدار داده خواهد شد که به برای اعمال [illegible] خواهد رسید.

۱۰ - از مردم آبادیها خواستاریم که "شورای جوینباران" واقعی خود را تشکیل دهند.

پس سوی اتحاد و استحکام نیروهای واقعاً دهقانی

به کمیته‌ی جوینباران مریوان

و همه ورامان

اتحادیه دهقانان مریوان و اورامان

۵۸/۴/۱۱

لغو حقابه گامی در راه لغو ستم از کشاورزان

چندی قبل در منطقه زیر راه شهرها از مردم کارگر شدند و سرانجام خود می‌بینند اما طالبانه بر سر حقابه از آبها در ساقه [illegible] و همه بخاطر [illegible] که [illegible] با شاه و خونین مردم مبارزه و در بر راه منطقه این عناصر بیگری از سالهای ۳۷ تا ۴۰ و پایه [illegible] در گوشه و کنار مملکت مشروب ناگاه رژیم پهلوی را سرنگون کند اما به موقع با توطئه سازمان سیای آمریکا طرح ضد انقلابی به نتایج اعلامیه ارتشی را پیاده کرد و با اعلامیه از آنها [illegible] و شد و به این طرح عده‌ای سرانجام [illegible] و [illegible] شد.

چون برنامه اصلاحی و ارتجاعی بود به انقلابی، مثلاً در زیر راه امثال "حسین کردها" [illegible] را با مامورین آبیاری عوض کردند و بعد از اینکه حق و حساب سنگین به ارد [illegible] و آن همان بود و کانه همان با مقدار کمی تغییر. اما در منطقه آبیاری ناحیه شاکاره از اسناد مالکیت آب در آمد بیاد دولت بود و حقابه را بصورت سهمی از محصول میگرفتند با اینکه چندسال پیش با اینکار دیگنانور با اینکه مدیر عامل وقت تمام مرتبتی طرح طالبانه‌ای به مرحله اجرا در آمد بدین نحو که از لیموچون پر مصرف بر بود بصورت سهمی که همان ۱ - ربع محصول باشد دریافت میشد، اما در مورد با مقدار آن حرفا که اغلب در همان محصول چندانی نداشتند و سال هم [illegible] و دست مردم تنگ بود، فرار از دار هر در [illegible] سالانه یک تومان دریافت شود و این طرح مورد اعتراض کلیه با قداران قرار گرفت و مردم برای مدتی آب را تحریم کردند ولی چون حکومت ظلم و خودسری بود مقدار مدتی با چاره پذیرش آن شدند و با دستور دادن از کسانیکه قادر نبودند با غشان را آبیاری کنند بعنوان جریمه پول چندسالی را که آب نداده‌اند **هم دریافت شود که اکنون هم تمام** مدارک این طرح با شاه و فهرست اسامی افرادی که با این طریق غارت شده‌اند در اداره آبیاری ناحیه شاکاره موجود است و چه بسا افرادی که هنوز هم قادر نبوده‌اند باغشان را آبیاری کنند و با مال [illegible] زحمتشان برباد رفت و زندگی خودشان نیز با آن باغ بفلاکت کشیده شد و هزاران امید و آرزوی سالیان در آنان به یأس مبدل گردید.

ولی امروز که انقلاب مردم بر علیه حکومتی که چنین قوانینی را وضع میکرد رخ داده بسایدنا هدلو این دستورالعملهای طالبانه باشیم؟ و آیا ما روستائیان رحمتکش شاکاره وزیر راه با این شرایط سخت زندگی بدون داشتن هرگونه امکانات رفاهی سر و اراین نیستیم که تا ارپرداخت حقابه (آبها) معاف گردیم اگر در مورد [illegible] آب جهت سالاندن سطح تولید کشاورزی مملکت استفاده میکنیم و کمک به ما کشاورزان کمک به اقتصاد مملکت است مگر مردم دهات با شهرهای دولت چه فرقی دارند؟ جرا به مردم شهرهای [illegible] مورد [illegible] شده [illegible] صنعتی و [illegible] صنعتی و [illegible] و بیکار آب و برق و [illegible] میکنند. در صورتیکه بودجه [illegible] همه افراد مملکت تقسیم شود ولی از [illegible] طالبانه مرتبی از گرده ما [illegible] میکنند و ما موقعیکه لغو حقابه را پیشنهاد کردیم گروهی سنگ بطرف کمیته پس جرا اداره آبیاری از کجا تأمین شود. از این آدمها باید بپرسند خرج اداره را چه کسانی اداره آبیاری چطور [illegible] از کجا تأمین میشود و با این حساب باید هر کسی که روی جاده حرکت کرد می‌انصورت بدهد [illegible] مثلاً اداره دادگستری که به مناطق مرتبی و عمومی رسیدگی میکند یا اداره کشاورزی هیچ کاری نمیکند خرج کارمندانش را که باید بپردازد اگر صورتیکه دولت مسئول تأمین اینگونه هزینه‌ها است البته درآمد مملکت که از راه استخراج و فروش دخانیات و معادن و یا از راه مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم و عوارض گوناگون دریافت میشود. و از طرفی مقدار پولی که بعنوان حقابه از مردم دریافت میشود هرگز کفاف هزینه سنگین اداره آبیاری را نخواهد کرد و در اصل طرح حقابه طرحی تحمیلی بود و امروز تحمیل محکوم به نابودی است و از هم اگر خرج اداره آبیاری با پول حقابه کشاورزان تأمین میشود پس حساب خرج و مصرف آن زیر نظر شورای منتخب کشاورزان باشد چرا باید وضع زندگی کارگران آبیاری از وضع مرفه‌تری کشاورزان بهتر باشد و مطلوب این است که کارگران اداره مرفه هستند. بلکه کشاورزان منطقه **بسیار رفاه‌ترند. و به اعتقاد ما اگر خیر** بخواهند حقابه بگیرند با بدنی خواستن گرفته شود بدون صورت الف - با بدار کشاسی که مقدار دلیمو یا نخل به میزان کم دارند حقابه دریافت نشود چون آنها که در حقیقت کمتری دارند حتماً به کمک بیشتری احتیاج دارند. ب - در صورت دریافت حقابه باید آنرا صرف عمران دهات منطقه کنند که واقعاً در وضع بسیار عقب افتاده‌ای بسر میبرند البته زیر نظر شورای کشاورزان و این مسئله سریع اقدام انقلابی است که دولت باید اقدام به اجرای آن بنماید. پس ما باید حقابه بکلی لغو شود یا از افرادی که دارند دریافت شود در صورت دریافت خرج عمران دهات منطقه شود.

آب ورمس من کشاورز است!

پیش سوی کسب حقوق حقه زحمتکشان روستاها!

فیروزی کربال

در صفحه شماره ۳۵ گزارشی از مبارزات دهقانان فیروزی کربال مورد درج شده بود. اینک ادامه مبارزه این دهقانان را می‌آوریم

دهقانان فیروزی کربال که در خرداد ماه برای کسب خواسته‌های پایمال شده‌شان توسط کمیته امام سرکوب شده بودند مجدداً برای احقاق حقوق خود بر علیه مالک دست به مبارزه زده‌اند. تعداد ۳۲ خانوار از خوش نشینان روستای فیروزی کربال که در خرداد ماه ۵۸ زمین مالک، بنام محمد خان دهقان، را به تصرف در آورده بودند، هنگام برداشت محصول با حمله کمیته امام مواجه شدند. در این برخورد تیراندازی دهقانان موفقیت سرکوب شد و محصول خوشه بدست کمیته امام مصادره و به شیراز منتقل گردید. در اوایل تیرماه (۵۸/۴/۲) دهقانان مجدداً دست به درو گندم خمسی (متعلق به مالک، محمدخان دهقان) زدند. ولیکن این بار با به کسب تجربه قبلی خود، بعضی لزوم مسلح شدن در مقابل نیروی مسلح کمیته و ارتشیان برای کسب حقوق خود، متحدانه و مسلحانه مقدار ۶۰ هزار من گندم را جمع آوری و بطور عادلانه بین خود تقسیم کردند هم اکنون دهقانان این روستا روی زمین‌های مصادره شده از محمدخان دهقان به شرح کار مشغول‌اند.

www.iran-archive.com

از مبارزات کارگران

ماشین‌سازی دفاع کنید!

کارگران ایران در سراسر دهه‌ی رژیم منفور پهلوی بویژه در مرکز آن تهران دست به اعتصابات و مبارزات گوناگون زده‌اند. و همواره همین مردم در مبارزات شرکت کرده‌اند. از جمله کارگران مبارز صنایع فولاد کارگران ماشین سازی بارها دست به مبارزه برای احقاق حقوق خود زده‌اند. در اولین اعتصابات خود کارگران ماشین سازی خواست اساسی حقوق را که در اعتصابات خود از آبان ۵۷ تهران و دیگر خواستهای سیاسی خود مطرح کرده‌اند از اول فروردین ۵۸ به آنها قبول اضافه حقوقی که از مدتها قبل میبایست پرداخت شود داده شد که از آن زمان به بعد این قول عملی نشد. مدیران سرکار. گران برای خود و اعتصاب دست زدند که در این اعتصاب با وحدت عمل بی‌نظیری به اتحاد و صدور اعتصاب دست زدند بطوریکه کارفرما را به عقب نشینی وادار نمودند و در مرکزی تهران را گرفتند که کارگران این قول کتبی را همگی با خود دارند. بعد از آن با عدم وجود اسناد از طرف سران به قول دادن اضافه حقوقها و اجرای قسمت ۵/۷ داده شده است. چون با کنار گذاشتن قولها عمل نشده است و مرتب کارگران را سر دوانده کارگران مبارز این شرکت بهترین راه را مبارزه متحد با قدرت و روزمره اعتصاب یکپارچه خود را شروع کرده‌اند و مصمم هستند که تا گرفتن حقوق خود به مبارزه ادامه دهند.

ما گروهی از کارگران ماشین‌سازی تهران خوب که با تمام وجود معتقدیم که صنایع کارگران یکی است و پیروزی آنها در وحدت آنهاست همبستگی خود را با برادران کارگر خود اعلام میکنیم و از تمام کارگران صنایع فولاد می‌خواهیم که اتحاد خود را با کارگران ماشین سازی اعلام کنند. پیروزی کارگران در وحدت آنها در مقابل سرمایه‌داران است.

هر چه محکمتر باد پیوند همکاری کارگران ایران.

از طرف گروهی از کارگران مبارز ماشین‌سازی تهران - تهران

عوامل سرمایه‌دار را رسوا کنیم

دوستان عزیز کارگر چندی است که در کارخانه اقدام چندی در مورد دزدی اضافه‌کاری توسط بوکران سرمایه‌داران بعضی کارفرما در درون کارخانه صورت گرفته است. مضحک‌تر اینکه مدت کار کارگران را از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت تبدیل کنند و با سوء و کرشمه‌ای فراوان به گوش ما کارگران برسانند که این اقدامی است انقلابی و مفید. اما همانطور که میدانیم تنها چیزی که حق را از باطل جدا میکند همانا عمل است و گرنه اگر قضیه سر حرف باشد که همه میتوانند حرفهای قشنگ و مردم پسند بزنند اما عمل هیچ.

در زمان رژیم گذشته از آنجا که تمام کارخانه‌ها بدست کارگران بود و مدت زمان کار و قوانین مربوط به آن بر عهده کارگران زحمتکش در دست بود. کارگران را مجبور میکردند که ۱۰ ساعت، گاهی ۱۲ ساعت و ۱۶ ساعت برای کارفرما کار کنند و مجبور بود ۸ ساعت را کار می‌کنند اما از آنجا که این ۸ ساعت بهیچوجه مخارج کارگر را تأمین نمیکند این را تأمین میکردند که کارگر مجبور میشد اضافه‌کاری برای تأمین هزینه زندگی اضافه کار کند. و خود همین باز تأمین نبود که حجم زحمتکشان را مجبور به این میکرد تا حق خود را بگیرند و آنرا از دیگر دوست هوا برند.

در چنین صورت در زمان قبل در کارخانه‌ها هم ۸ ساعت کار رسمی بود و ۱ ساعت هم اضافه‌کاری. ولی امروز وضع عوض شده و زمان کارگری پهلوی سرنگون شده با سراسر باز ۲ ساعت اضافه‌کار بود. همین به آن نوشی که سرمایه‌داران را لو میدهند میگویند بلکه حذف آن ۲ ساعت بصورت خوب نیست بدون کم کردن هیچگونه حقوقی از ما کارگران.

دوستان کارگر اگر خوب دقت کنیم میبینیم که خیلی عادی و سوسه کننده میخواهد حقوق ما را بخورد آنهم با اسم انقلاب چرا تولیدکارخانه که مثلاً ۱۲ ساعت، ۱۲۰ ساعت ۱۲۰ ساعت در روز بوده است امروز میخواهند با ۸ ساعت کار ۱۵۰ تن سود، عامل سرمایه‌داران به کارفرما را به عقب نشینی وادار نمودند و در مرکزی تهران را گرفتند که کارگران این قول کتبی را همگی با خود دارند. بعد از آن با عدم وجود اسناد از طرف سران به قول دادن اضافه حقوقها و اجرای قسمت ۵/۷ داده شده است. چون با کنار گذاشتن قولها عمل نشده است و مرتب کارگران را سر دوانده کارگران مبارز این شرکت بهترین راه را مبارزه متحد با قدرت و روزمره اعتصاب یکپارچه خود را شروع کرده‌اند و مصمم هستند که تا گرفتن حقوق خود به مبارزه ادامه دهند.

ما گروهی از کارگران ماشین‌سازی تهران خوب که با تمام وجود معتقدیم که منافع کارگران یکی است و پیروزی آنها در وحدت آنهاست همبستگی خود را با برادران کارگر خود اعلام میکنیم و از تمام کارگران صنایع فولاد می‌خواهیم که اتحاد خود را با کارگران ماشین سازی اعلام کنند. پیروزی کارگران در وحدت آنها در مقابل سرمایه‌داران است.

هر چه محکمتر باد پیوند همکاری کارگران ایران.

از طرف گروهی از کارگران مبارز ماشین‌سازی تهران - تهران

حاسبه که از طرف دولت تأمین میشود کران شده و محصول کارخانه را هم نمیتوانند کران کنند در نتیجه با بدکاری کران بیشتر کار کنند و پول کمتر بگیرند. این مرد مفرنی است مترسای ما کارگران دولتی نیست؟ اگر بگویند دولت مستعجل است پس چرا سه مورد برای ما کارگران است؟ ما در سرمایه‌ی خود بیشتر در مورد دزدیها و کلکهای سرمایه‌داران، برای اضافه کردن سرمایه خود بیشتر توضیح خواهیم داد.

ما خواهانیم که:

۱ - ۸ ساعت کار در روز.

۲ - پرداخت ۴ ساعت اضافه‌کاری عملی (چون تولید کارخانه نه تنها کمتر نشده بلکه بیشتر هم شده).

۳ - استخدام کارگران بیشتر برای سالانه بردن تولید کارخانه.

گروهی از کارگران روغن سازی

اعلامیهٔ گروهی از کارگران دربارهٔ مجلس خبرگان

رفقای کارگر!

از سخنان اعضای مردم جوانان یک مجلس موسسان دمکراتیک و مردمی و دموکراتیک تا حامی منافع آنان و حافظ آزادی و استقلال ایران بوده‌اند. مجلس موسسان بدنبال مبارزات ارزشی، مبارزات مبارزه‌ای مانند مبارزه دموکراتیک و مبارزه مردم مستضعف کردستان و خلق عرب خوزستان و عموم مردم ضد انقلابیون و ... کردن رسالتهای از انقلابیون و ضرب و شتم آنان و بسیاری از اقدامات دیگر در مسیر ما بوده است. اعتصابات و جنگهای از ادامه آن ماهیتی ... مجلس خبرگان با نمایندگان ... گرفت.

مجلس خبرگان که با صحبت ... از ... مردم تشکیل بوده ... تعدادی سرمایه‌دار و ملاک و بورژوازی و پیروزی آنان تشکیل خواهند داشت ... هرگز مبارزه کارگر و رنج و رحمت را نچشیده‌اند و سامی ... از مبارزه ما رحمتکشان با ... مسعود، ... خواهند با ... اساسی را ندارند که "منافع کارگران، دهقانان و با ... "مستضعفین" را در بر داشته باشد. واضح است که وقتی کسی هرگز در کارخانه و ... شاقه فرسا و در بدترین شرایط غیرانسانی کار نکرده باشد، هیچوقت نخواهد توانست مشکلات و خواستهای کارگران را درک کند و یا کسانیکه یک عمر بار خورده و ستمدیده‌اند تمام را مکتوب کنند. چگونه میتوانند قوانینی برای بهبود وضع دهقانان تنظیم کنند. بعد از ... بورژوازی ... سودهای مردم، بازرگانان از اصل حاشیه‌ای و از خودگذشتگی و خواستهای کارگران و رحمتکشان برخوردار و حال همین بازرگانان میخواهند قوانینی ... مکتوب کنند که ما کمیت آنها را محکم و استوار و "قانونی" نماید.

کارنامه دولت در این چند ماهه در رابطه با ما کارگران این بوده که ... سندیکاها و شوراها، که حامی منافع ما و نمایندگان واقعی ما بودند، را ضد انقلاب خواندند. از بکار بردن هرگونه سوطه برای درهم پاشیدن تشکلات کارگری دریغ نکردند. "شوروی و شورا کارخانه‌ها" که همان چماقداران دولتی هستند را تشکیل دادند که هرگونه مبارزه حق طلبانه کارگری را سرکوب کنند. لایحه جرائم ضد انقلاب که طبق بند ۹ آن مجازات اعتصاب در کارخانه بین ۱۰ - ۲ سال حبس جنائی تعیین کرده است را تصویب کردند. در حقیقت حق اعتصاب از اولیه‌ترین حقوق کارگران را پایمال کردند. بجای حقوق بیکاری، وام بیکاری دادند. آنهم بعد از مبارزات چند صد هزار نفری کارگران بیکار و حال بدون هیچ تضمینی ... اتحاد کارآموزان فقط با شهریور ماه پرداخت خواهند کرد. کارگران بیکار اعتصابی را در اعتصاب به گلوله بستند. قانون کار محمد رضا شاهی را به رسمیت شناختند و اردیبهشت یک قانون کار دمکراتیک جلوگیری کردند و حالا هم میخواهند با تصویب این قوانین ضد کارگری و ضد انقلابی شکل قانونی به تمام این اعمال در این مجلس بدهند.

... چرا ما نباید در این انتخابات شرکت کنیم؟ زیرا قانون اساسی ای ارائه شده است، نمایندگانش از قبل معین شده‌اند، تعدادشان را بدلخواه انتخاب کرده‌اند و ما کوچکترین تغییری در آن نداشته‌ایم - چگونه کسانی که بهیچ وجه با ما زندگی مشترک، درد مشترک، و منافع مشترک ندارند میتوانند حامی منافع ما باشند. آنها ... بیندگان سرمایه‌داران، ملاکان و اقشار مرفه جامعه هستند که از طرف آنها همه چیز ما کارگران و زحمتکشان در آن مالک است - ما با شرکت در این انتخابات به آنها هیچگونه تأثیری در تعیین این قوانین نخواهیم داشت، بلکه با شرکت خود تنها گذارده‌ایم بر روی تمامی کارهائی که این دولت در این مدت شش ماهه انجام داده است - دو ماه دام سوطه دولت در رابطه با ایجاد شرایط "دموکراتیک" چند روزه اضافه‌ایم که میخواهد همه را در پشت این قانون اساسی ضد خلقی و ضد انقلابی شرکت داده و مورد ... قانون اساسی ... سوطه مردم و ... گان واقعی آنان وانمود کند. زمانی بخواهد گفت که ... این قوانین، کارگران دهقانان و زحمتکشان و انقلابیون را ... و سرکوب نماید، به نظر ما ... با کنار شرکت در این انتخابات که از طرف نیروهای مبارز انقلابی و چپ انجام ... ساخته و پرداخته گردیده توطئه دولت بوده است.

ما معتقدیم تنها قانونی و تنها مجلسی ... قرار ... در آن تمام ... که حافظ منافع بوده‌های رنج کشیده ... باشد ... انقلابی میتواند کارگر ... و در آن داخلی ... مضمون ... که بوده ... آن ... دولتی میتواند ... انقلاب ... مبارزات ... مارا حل کند که ما کارگران ایران و روستائیان زحمتکش در آن تعیین نکنیم ... .

گروهی از کارگران کارخانجات

تهران

انتخابات ...

... شرکت داشته باشند. بیانیه اول را آن اجرا داده‌اند که ما منافع واقعی بوده‌ها ... واقع ... بلکه بر علیه آن است. ... و انقلابی ... آنها ... انتخابات ... مجلس موسسان واقعی منافع ... بوده‌ها ... موضوع ... آنها و اجرای ... قوی مبارزه وجود دارد. از همه مبارزات سیاسی و افشاگری ما که کردیم ... سالاخره ... انتخابات ... مجلس را ... شد کرده‌اند؟ و در نهایت سرمایه‌داران ... است؟ در انتخابات شرکت کنیم یا خیر؟ توده مردم با رای خود، عمل ... و ... مردم ... بوده ... عمل دهد. سئوال اساسی ما کمتر ... "روس ... و ... " باشد. سئوال اساسی در مورد مجلس خبرگان بر خلاف مجلس موسسان این است که چه گروه و حزبی ... رای داد. سئوال شرکت یا عدم شرکت ... آنکس که با کمتر شرکت را در ... مشکوک، هر چقدر هم که در ادعای ما ... مجلس بکوشد، ما با این ... عمل کرده ... شرکت ورای ندادن در سرنامه‌ای "تمامی ... کنند" و علامهم در سرا سر کسانی که رای ... دهند قرار میگیرد. ... در ... رفتار ... جنائی ... مردم و خواداران ... سرمحصل بود. رای ندهند. در نسخه وقتی رفتار در ... کار از عدم شرکت توده‌های وسیعی از مردم در این انتخابات اظهار خوشحالی میکنند، باید بدانند که این توده‌های وسیع دقیقاً بر خلاف رهنمود دهندگان عمل کرده‌اند و لااقل شرکت میکردند و به کاندیداهای آنها رای میدادند و در نسخه رفتار ... انتخابات دستاورد با کمک "مجلس" بودند که ارند. این ... غلط بودن این ... کمک است و هیچ جای "خوشحالی" هم ندارد!

ادامه دارد

www.iran-archive.com

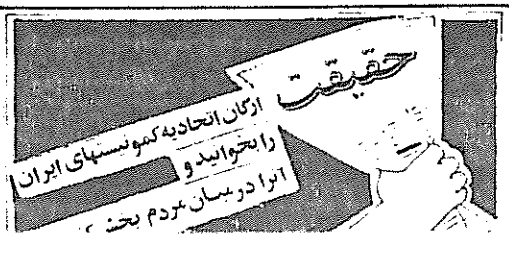

باسخی ...

بقدرت سوسیالیسم را تخریب میکند. ارکجا معلوم که فرد اپرولتاریا با رسیدن به قدرت سرمایه داری را نابود خواهد کرد؟!

با اینکه چریکها معتقدند که علیرغم غصب رهبری حزب، دولت و ارتش توسط نوروزاری و علیرغم تلاشهای این دارودسته برای احیاء سرمایه داری، طبقه کارگر و مردم روسیه همچنان مشغول ساختن سوسیالیسم بوده اند، که اگر چریکها براین باورند باز هم باید فاتحه مارکسیسم را خواند! اگر چنین چیزی امکان پذیر است دیگر ملاک احساسی به حزب کمونیست داریم؟ دیگر چه احساسی به اعمال دیکتاتوری پرولتاریا داریم؟! ملاک احساسی به مارکسیسم، لنینیسم و سیاستهای پرولتری داریم؟ مگر نه این است که خروشچف هیچکدام از اینها را اعمال نکرد و "توده ها" خود سوسیالیسم را ساخته و مسازند! مگر نه این است که مشغول چریکها، علیرغم وجود رویزیونیستهای در صدر حزب و دولت، سوسیالیسم همچنان پابرجا میشود!

سازمان چریکهای فدائی خلق در ابتدائی ترین اصول مارکسیسم و آموزشهای آن در رابطه با دولت و نقش آن تجدید نظر کرده است! سازمان چریکهای فدائی خلق معتقد نیست که دولت در قدرت ارگان اعمال قدرت اقتصادی - اجتماعی - نظامی و قهرآمیز یک طبقه علیه دیگر طبقات است! سازمان چریکهای فدائی خلق معتقد است که اقتصاد جامعه علیرغم ماهیت و خواست طبقه در قدرت نیروهایی که میخواهد میتواند برود! و چنین اعتقادی هم ایده آلیسم محض است و هم ماتریالیسم عامیانه و باب و چرا چنین است، چه این هر دو، دو قطب متضاد یک بلاهت اند!

رابعاً: چریکهای فدائی خلق در زمینه دیگر با ارزشهای "نوآوری های" معروف کرده اند. آنان معتقدند که پس از آنکه طبقه کارگر سوروزاری را سرنگون میکند و دیکتاتوری خود را حاکم ساخته و اقدام به ساختمان سوسیالیسم میکند، دیگر امکان بازگشت بورژوازی و بقدرت رسیدن موجود نیست. چنین ایده ای در تضاد کامل با آموزش های مارکسیسم - لنینیسم است. مارکس، انگلس، لنین و دیگر رهبران سوسیالیسم علمی معتقدند که برای رسیدن به فاز بالائی جامعه سوسیالیستی (که همان جامعه کمونیستی است) یک دوره تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا که همانا سوسیالیسم باشد ضروری است. آنان مدرسی اثبات کرده اند که در تمام این دوره تاریخی امکان بازگشت بورژوازی و بقدرت رسیدن موجود وجود دارد. این بدین دلیل است که دیکتاتوری پرولتاریا در این دوران یک مرحله تاریخی است و هرگونه عقب ماندگی پرولتاریا می تواند موجب بقدرت رسیدن مجدد بورژوازی گردد. لنین در این مورد میگوید: "جکیده و مضمون دیکتاتوری مارکس در مورد دولت بهمان توسط کسانی فهمیده شده است که درک کرده باشند که دیکتاتوری یک طبقه نه تنها برای هر جامعه طبقاتی ضروریست، نه تنها برای پرولتاریا پس از ریشه کن بورژوازی ضروریست، بلکه در تمام دوران تاریخی که سرمایه داری را از جامعه بدون طبقه "تاکنون" جدا میکند ضروریست... کدام از مرحله سرمایه داری به کمونیسم، دیکتاتوری محفل سیاسی تمایان خواهند بود، ولی ماهیت آنها همگی دیکتاتوری پرولتاریا خواهند بود." (لنین - مجموعه آثار - جلد ۲۵)

و اما لنین سرمایه الهام از آموزش های لنین برای اهل علم تاکید میکند که برای مدتهای مدید، تا زمانیکه سوسیالیسم در یک سلسله از کشورها پیروز نگردیده است امکان بازگشت مجدد سرمایه داران موجود است:

"تا براین بگاه تضمین ضروری نهائی سوسیالیسم، یعنی تضمین

در مقابل بازگشت به اوضاع سابق (یعنی سرمایه داری - اتحادیه) انقلاب سوسیالیستی پیروزی بخش در یک سلسله از کشورها میباشد... لینینیسم بما میآموزد که پیروزی نهائی سوسیالیسم به معنای تضمین کامل در مقابل برگشت مناسبات بورژوازی، فقط در مقیاس بین المللی امکان پذیر است" (از خطابه به کنفرانس چهاردهم حزب)

۳ - چریکهای فدائی ظاهراً متوجه تضاد این کلمه غیر علمی خود نسبت به عدم امکان بازگشت سرمایه داری در دوران سوسیالیسم با آموزشهای لنین شده اند. بهمین دلیل است که مینویسند "آنچه این آقایان (منظور دستان روسیه کنونی - اتحادیه) به این سخن لنین که گفته است مادام که جرده تولیدکنندگان وجود دارند امکان بازگشت سرمایه داری بین از استقرار سوسیالیسم است" استناد میکنند، نامفهوم میکند که لنین هرگز نگفته است و نمیتواند است هم بگوید که طبقه کارگر با تسلیم زمام قدرت را به بورژوازی معوض میکند. البته لنین دیالکتیک مارکسیستی را کمی بهتر از این فیلسوفان بزرگ!!! درک میکند و می داند که هیچ طبقه ای به میل خود و بدون مقاومت قدرت را به طبقه ای دیگر تحویل نمیدهد چه رسد به پرولتاریائی که قدرت سیاسی را بدست گرفته، دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر ساخته، بورژوازی را نابود کرده و جرده بورژوازی را روز به روز بسوی ساخته و بنای آن را نیز در آستانه نابودی قرار داده است. اما این آقایان مدعی می شوند که همین بنای جرده بورژوازی بی رمق و در حال مرگ با گهان جان می گیرد، قدرت را از دست طبقه کارگر بیرون میآورد، طبقه کارگر را دوباره در زیر پاشنه میکشد و در بدترین وجهی استثمار را برقرار میسازد. اما طبقه کارگر دم برنمی آورد و بدین سان تضاد آشتی ناپذیر که با بدنامی حل شود بگونه ای صلح آمیز آنهم کاملا در جلاف جهت تکامل با رمح حل میشود." (نشریه کنگره - شماره ۱۸)

اولاً: لنین نگفته که جرده تولیدکنندگان تنها پایه مادی جلوگیری از امکان بازگشت سرمایه داری را ممکن میسازد. لنین، استناد لنین وسپس ما شوسه دون گفتند:

۱ - استثمارگران سرنگون شده و بازماندگان بورژوازی که همواره میکوشند بهترین راهی که شده "بهشت" از دست رفته خود را باز گردانند. ۲ - نیروی خود روی جرده بورژوازی که پیوسته عناصر سرمایه داری نوین را پدید میآورد. ۳ - کارمندان اداری، امرای ارتش، کادرهای بالای حزب و دستگاه دولتی و حتی بخشی از کارگران که از رخنه و فشار فرهنگ بورژوازی متاثرند. ۴ - تضاد بین شهر و ده. ۵ - تضاد بین کار فکری و عملی. ۶ - وجود اقتصاد کالائی در جامعه سوسیالیستی. ۷ - فشار امپریالیسم و سرمایه بین المللی (هم از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و نظامی). شمار مسئله های مادی و ذهنی متعددی را برای مشکلات عناصر بورژوائی و مشکلات مبارزه طبقاتی آنان علیه پرولتاریا فراهم میگرداند.

ثانیاً: مرحلات ادعاهای چریکهای فدائی برای بین معنی که با پیروزی و تحکیم سوسیالیسم، مقاومت طبقات روبزوال در سوروزی "بی رمق" نمیگردد و مبارزه طبقاتی کاهش مییابد، لنین و استالین، هرگز بر این باور نبودند. استالین سه هنگام ترانشه سالیانه اولین برنامه ۵ ساله چنین گفت: "ما باید بخاطر داشته باشیم که رشد نیروی دولت سوروی (یعنی رشد و تحکیم نیروی سوسیالیسم - اتحادیه) مقاومت آخرین بقایای طبقات در حال مرگ را رشد خواهد نمود. دفعتاً بخاطر داشته باشید که آنها در حال مرگ بودند و روزهای زندگی از زندگی آنها باقی نمانده است. آنها از یک فرم حمله به فرم دیگری، فرم جادوی دست نیرو و در حال تکامل از عقب افتاده تر بسوی تجمعهای حقیر مقدر حسد و آنها را برعلیه رژیم سوروی مرتکب میگردند (استالین - مجموعه آثار - جلد ۱۲

در تمام طول دهه ۵۰ این مبارزه شدت و عمق بیشتری یافت. واکنشهای این مبارزه ایدئولوژیک - طبقاتی جا در تحت همان وسیعی که در کمیته مرکزی و بدنه حزب بر سر مسائل حکومتی بیشتر دوام داشت، سوسیالیسم در کرف خود دلیل بر صحت این ادعاست. آنان رجا و بدان رفیق استالین چون "مارکسیسم و مسائل زبانشناسی" و "مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی سوسیالیستی" که در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۳ نگارش یافته در واقع بیانگر تهاجم ایدئولوژیک کمونیستهای سوروی و در رأس این رفیق استالین برای درهم کوبیدن سوروزاری بوده ولی در بیانگر دیگر بوده.

ثالثاً: اگر بقول شما چریکهای فدائی سوروزاری در روسیه نابود شده بود و خرده سوروزاری سیر بقول خودتان "تا توان رمق" گردیده بود و "در آستانه نابودی کامل قرار داشت" پس لطفاً بفرمائید که چرا خروشچف و شرکاء در کنگره بیستم حزب و آنهم در این حزب چه میگردید؟! نکند برایتان باور بدکه آنان محتکو و مدافع پرولتاریای شوروی بودند! و چگونه است که پرولتاریای روسیه از آثار و رفاکیون و خودخواهی از قماش خروشچف و برژنف را در رأس حزب "خود" تحمل میکند! واقعیت این است که پرولتاریای شوروی با کودتای ضد انقلابی خروشچف و شرکاء از حزب خود محروم گردید و حزب پس از سخنرانیهای پیاپی دیگر به حزب پرولتاریای شوروی، بلکه حزب بورژوازی نوخاسته و به قدرت رسیده روسیه گردید.

رابعاً: چریکهای فدائی خلق، دشمنان سوسیالیسم امپریالیسم روسیه را متهم میکنند که براین باورند که پرولتاریای قدرتمند شوروی "به گونه ای صلح آمیز" قدرت را به دشمنان خود سپرده است. چنین ادعائی تحریف نظر مارکسیست - لنینیست های ایران و متوهمینی به طبقه کارگر و قهرمان شوروی است. آنچه شما به ما و دیگران نسبت میدهید در واقع نظر خود شماست، اجرا که معتقد به پرولتاریای قهرمان شوروی بدون میگونه کودتای ضد انقلابی و از روی میل و رغبت و بطور صلح آمیز رهبری حزب خود را در این ۲۰ ساله بدست رویزیونیستهای خائنی از قماش خروشچف و شرکاء سپرده و در تمام این مدت بطور صلح آمیز ایستاده، یعنی پرولتاریا و رویزیونیستهای خائن با یکدیگر در همزیستی کامل مسالمت آمیز و آشتی با خروشچف و برژنف در رأس حزب و دستگاه دولتی بسر برده و می برند! آری این شما هستید که کمونیستها و کارگران کمونیست شوروی را متهم به بی غیرتی و اتحاد در یک حزب واحد با رویزیونیستها میکنید و نه ما! ما براین باوریم و واقعیت نیز این است، که خروشچف و شرکاء با سپرگیری از کمیته ها و تشکیلات موجود در شوروی سوسیالیستی، از مرگ رفیق استالین، این سپرده جسته و از طریق یک کودتای ضد انقلابی رهبری حزب و رأس را مسخر کرده و آنرا به تصفیه های بیپایی نمودند و کمونیستها و عناصر پرولتری که در برابر پیروی آنان مقاومت نشان دادند یا برندان افکنده شدند یا بعنوان دروغین دیوانه بودن، به مطرود بردرکم کردن مردم شوروی به تنها رسانه ها و آنها که تنها ترسانده شدند و با همچون دوران براریم به سیری اعزام گردیده و یا زیر پی گرد بسر برده و می برند.

۴ - در تمام مقاله خود چریکهای فدائی کوشیده اند از تحقیقات "شوروی" عصمتان بالاخره سوسیال امپریالیستهای واقعی را با تمام ابزار بدیدند آنان سوسیال امپریالیستهای واقعی خروشچف و برژنف و روسیه کنونی، بلکه مارکسیست لنینیست های واقعی ایران و جهان بسازند!! البته از آن جمله "تحلیلی" چنین "حقیقتی" سرباز نگردد!! بهر حال چریکهای فدائی معتقدند که دشمنان سوسیال امپریالیسم روسیه، از آنجا که اصول مارکسیسم - لنینیسم را تحریف نموده و مرزهای کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی را بخودش نموده "مبارزه ضد امپریالیستی" طبقه کارگر

سوسیال امپریالیسم آمریکا باشد، تمام نیروهای سوسیالیستی نموده و بدین ارفعا را امپریالیسم "میکاصد و علیرغم ادعای طرفداری از سوسیالیسم به امپریالیسم خدمت میکنند برای سوسیال امپریالیست اند! (کار - شماره ۱۸)

آری برای چه کسانی دارند سلطنت امپریالیسم و محافل حکومتی در سرزمینشان برای بی آبروکردن سوسیالیسم خدمت میکنند؟ ما با کسانیکه به طبقه کارگر و مردم ایران میگویند که مسئل سوسیالیستی کشوری که به انقلابات محترم خود اقتصادشان را کنار کرد، در آکولاهای سرمایه داری را باز ساخت، از انقلاب سفید به مدت ۱۵ سال دفاع کرد، انقلابیون را از طریق کودتا سرنگون کرده و سلاطین را جوخه اعدام سپرد، خلقهای اروپای شرقی و خاورمیانه را بطور وحشیانه استثمار کرد، کودتای سوکرا آمریکا، لون نول، درگاه دفاع کرد، فاشیستی ترین شرایط را بر طبقه کارگر و انقلابیون درون خود فراهم کرد، طبقه کارگر کور خود را به وحشیانه سرنگونی استثمار کرد، با سوسیال - امپریالیستهای اروپائی ارد رابین در آمده در اتحاد با امپریالیسم آمریکا سوطنه سرنگون جنبش فلسطین را زیخت و... تاریخ فحاوی خواهد کرد که چه کسانی[2] لعنت جاده صاف کن تاریخی چیره و مواجب سوسیال امپریالیستهای روسیه را در میهن مان باری گردند! آری تاریخ فحاوت خواهد کرد که چه کسانی آب به آسیاب دشمنان سوسیالیسم ریختند و کسانی با چنین کارنامه سیاهی را بعنوان سوسیالیسم به خلقهای زحمتکش میهن معرفی کردند. آنهم در شرایط حساسی که طبقه کارگر ایران به تدریج با روشن کلاهی که پورژوازی تحت لوای "جمهوری اسلامی" برسرش گذارده است، پژوهشگر است بدنبال یک راه حل پرولتری میگشت!

۲۰ تیر ماه ۱۳۵۸

اتحادیه کمونیستهای ایران (تاحد جنوب

* * *

(۱) شما را رجوع میدهیم به جزوه "شوروی یک کشور سرمایه داری و امپریالیستی" از انتشارات "اتحادیه کمونیستهای ایران".

(۲) موضع قوی از جانب رفقای ما از زاویه روی برخوردار است. منظور سازمان موضع انحرافی سازمان چریکهای فدائی خلق در مورد "سوسیالیستی" قلمداد کردن شوروی کنونی معرفی دارد.

اعلامیه درباره...

اما دسته دوم از دلائل حرم اسلامی آیندگان "در جهت مخالف منافع و مطالبات جامعه مسلمان و حکومت جمهوری اسلامی که بر پایه "احیا و عقاید انحرافی" "تعصب خصمانی" و "کوراتاب غیرواقعی" "بر مردم" "با تمام نیروهای مخالف انقلاب اسلامی و اتحاد شیعه و سنی" در میان مردم ضرر داشته است. بگفته آنها آیندگان "بر کسب حیثیت اجتماعی و شهرت مبتذل است" به "اعلام نیرنگهای دروغین و مطلب غیرواقع" پرداخته است. بگفته آخر که گفته مسخره است و در صورت ارتکاب آن هم دلیل بر حماقت توقیف و پس جا نخواهد بود و رو به مسعود، آنهم بدین کنایه که حرکت حیثیت و شهرت مبتذل خودشان در رادیو تلویزیون و مطبوعات و تبلیغات دارند. لیکن درباره مکالمات دیگر نیز رفته اند و با هدف بر حرکت دستوفیف کنند که عامل روزنامه مرده، که خود را مدعی العموم "منافع و مصالح" جامعه و خدا کرده، واقع از غیرواقع و حق را باطل فرض کرده اند، حکمان دیگری مینویسند که بدین مدعی العموم از خود را می آیند که حیثیت دیگر در امکان احیاء و رویدادهای جامعه سرزنانیت جامعه خا را میکند خلاف منافع و مصالح جامعه حرکت میکند و انحرافی و دروغ پرداز است، لیکن

حقیقت
۳۰ مرداد

باقی ...

مرتجع سازند؛ کاتوسکی به دولت شوراها حمله میکرد پس هرکس هم امروز به روسیه کوبی حمله کند کاتوسکیست است! این چنین استدلال مارکسیستی این رفقا، ولی یک نکته "کوچک" را چریکهای فدائی خلق از قلم انداخته اند و فراموش کرده اند! و آن اینکه این رفقا موظف اند که اینها را ثابت کنند که روسیه کنونی از لحاظ نظام اجتماعی - سیاسی - فرهنگی حاکم بر آن، از لحاظ مناسبات خارجی و از لحاظ دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و امپریالیسم پرولتری همان راه و روش شوروی لنینی را دنبال میکند تا بتوانند حرف خود را بر کرسی بنشانند و مخالفین خود را به رویزیونیست و کاتوسکیست بودن متهم سازند. کاری که چریکهای فدائی خلق نکرده و نخواهند کرد.

ثالثاً: چریکهای فدائی خلق برای برگزاری به پیروی خروشچف بر حزب کمونیست شوروی را بعنوان علیه یک جریان معاصر و کمال مورد رهبری حزب کمونیست خنثا کند، بیهوده است که میگویند طرفداران سوسیال امپریالیست بودن روسیه "از رهبری خروشچف در کنگره بیستم و مواضع مجدد - مطرح طلبانه ای که او و دیگر رهبران حزب پس از کنگره بیستم ایجاد کرده اند بهره برداری نموده اند." تحریف دوستان عزیز! اشکال کار خروشچف نه فرا سختراسی این نبود، جرا انکاری و خیانت خروشچف و دارودسته اش چه در داخل شوروی و چه در جنبش بین المللی به یک سختراسی محدود نمیشود. واقعیت این است که خروشچف فقط یک سختراسی رویزیونیستی کرد و پس به ساختمان سوسیالیسم و ساختار اقتصادی پایداری از نظام سوسیالیستی در شوروی ادامه داد. آنطوریکه شما مدعی هستید و میگوئید امروز هم این کشور سوسیالیستی است. خروشچف مرتد بلافاصله پس از کنگره بیستم به پیاده کردن عملی "سختراسی" این پرداخت! حزب کمونیست شوروی را بارها تصفیه کرد، ارش سرخ شوروی را تصفیه کرد، و از آنجا که یک تجدید نظر طلب بورژوا بود، به تخریب سوسیالیسم و ایجاد مجدد سرمایه داری در روسیه پرداخت. آنجا که بقول شما این خائنین به رهبری حزب غلبه کردند، اقدام به خرابکاری و خیانت به امر سوسیالیسم، انقلاب و جنبشهای رهائی بخش در سراسر جهان پرداخت و تا مرتجع ترین محافل امپریالیستی به مقامات و بازار پرداخت و و و .....

در خاتمه نشوالی را که با خواندن دو مقاله کار شماره ۱۷ و ۱۸ ایجاد شده و مرتب به مفرمان نیز میرسد با خوانندگان "کار" مطرح کنم. در هر دو شماره مقاله بطور مرموزی فقط به رویزیونیست بودن خروشچف اشاره شده و هیچ تحلیلی از رویزیونیسم خائن در کار نیست. شما بدلتان قلم باشد؟! ولی بهرحال مخاطبان خوانندگان نشریه "کار" نکوشیم برخی از رجاسات چریکی در سرکیسه نیز معتقدند (مثلا نشریه "رهائی") که این خروشچف بود که رویزیونیست بود و رویزیونیست بار آمدن به معنی قدرت بسیاری از خیانت های او را برنامه کرد و خلاصه اینکه او "کمتر رویزیونیست" و خیانت های سوسیالیستی این نیز بود! بهرحال ما از این داوری درباره موضع چریکهای فدائی خلق در مورد رویزیونیسم خائن فعلا خودداری میکنیم. بگذار خود چریکهای خلق توضیح دهند!

۱۷ تیرماه ۱۳۵۸

* * *

(۲)

۱ - چریکهای فدائی بدرستی معتقدند که لنین اصطلاح سوسیال امپریالیسم را درباره افرادی از رفقای کاتوسکی خائن و دیگر رهبران رویزیونیست احزاب سوسیال دمکرات و سوسیال دوم بکار برده است و بدرستی به این مساله نیز اشاره میکنند که همانا لنین بدین خاطر آنان را سوسیال امپریالیست میگرد و نوکری در عمل مدافع و محکوم سوسیال امپریالیسم کشورخود بودند. اما اینجا نحوی نیست، ولی بلافاصله فدائیان اشاره میکنند که لنین و مائوتسه دون تاریخی که یکی از ارکان اساسی مارکسیسم است هجوم ادعا نکرده اند که در هیچ کجای دنیا میتواند نظامی وجود داشته باشد" که هم سوسیالیست باشد و هم امپریالیست" (کار شماره ۱۸ - ستون اول)

اولا: چریکهای فدائی خلق برای فرار از پاسخگوئی به مخالفین خود، نظرات آنها را تحریف میکنند. مارکسیست - لنینیست های واقعی ایران و جهان هرگز نگفته اند که در روسیه نظامی که سرمرکز آن است "هم سوسیالیستی و هم امپریالیستی" است. کمونیستها امروز معتقدند که روسیه کنونی یک کشور کاملا سرمایه داری و امپریالیستی است. معتقدند که سرمایه داری در تمام زمینه های آن احیاء کامل گردیده و هیچ زمینه ای نیست که سوسیالیستی امروز در دیگر در آن موجود نیست. و اضافه این نظرات شما چریکهای فدائی خلق است که نام "هم سوسیالیستی و هم امپریالیستی" بودن روسیه را به سردیگی دارد چرا که از یک طرف بدرستی معتقدند که در کنگره ۲۰ منشی رویزیونیست خائن ارفقای خروشچف رهبری حزب و دولت را غصب کردند. بدرستی معتقدند که خروشچف به تکرار همان نظرات کاتوسکی سوسیال امپریالیست منشی مرتد "کار ما - لست آمیز"، "همزیستی مسالمت آمیز" و .... پرداخت. بدرستی معتقدند که رویزیونیستها حاسوان و معتقدان بورژوازی امپریالیستی اند ولی در عین حال معتقدند که علیرغم غصب رهبری حزب و دولت شوروی توسط سوسیال امپریالیستهائی از رفقای خروشچف، نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر روسیه هنوز سوسیالیستی است. آری رفقای عزیز این شما هستید که معتقد به سوسیالیسم و امپریالیسم امروز در "بلوک وما" در کنار هم در روسیه همزیستی مسالمت آمیز میکنند و نه ما!

البته نویسنده مقاله "کار" که مدعی اند بسیار ما شبیه به حرف مخالفین خود را تحریف کرده و دروغ آنها را متهم میکند که شوروی کنونی را "هم سوسیالیستی و هم امپریالیستی" میدانند مجبور میشود چند خط پائین تر برای آنکه بهانه بدست کسی ندهد واقعیت نظرات مخالفین خود را نیز بیان کند و اعتراف که منظور مارکسیستهای واقعی از سوسیال - امپریالیست بودن روسیه این است که روسیه در ظاهر ادعا میکند که سوسیالیست است ولی در واقع یک کشور امپریالیستی است.

ثانیاً: چریکهای فدائی معتقدند که به یک فرد، مثل کاتوسکی میتوان گفت سوسیال امپریالیست ولی به یک کشور نمی - توان گفت. چرا؟ فدائیان هیچ دلیلی ارائه نمیدهند. بدون شک فدائیان دیگر امروز نمیتوانند منکر این واقعیت شوند که اگر افراد سوسیال امپریالیست میتوانند وجود داشته باشند، از مجموع این افراد سوسیال امپریالیست، احزاب سوسیال امپریالیستی نیز میتوانند وجود آیند. همچنانکه در دوران لنین نیز موجود بودند. احزاب رویزیونیستی که در ظاهر ادعای سوسیالیست بودن میکردند و منکر ولی در کردار مدافع و محکوی امپریالیستها بودند. مثلا احزاب سوسیال دمکرات آلمان، ایتالیا، فرانسه، سوئد... که در ظاهر ادعای سازش در راه سوسیالیسم میکنند، در عمل عضو اسرمایه سوسیال دوم هستند، در ظاهر از مارکس و انگلس دفاع میکنند در عین اینکه در حکومتهای بورژوازی امپریالیستی خود شرکت دارند و با آن همدستی کامل میکنند. برخی رهبران این احزاب سوسیال امپریالیست از رفقای وبلی برانت، اسپیت، میتران (در فرانسه)، ویلسون (در انگلستان) کلدا - مایر، همانها هستند که ادعا کرده و میکنند که میخواهند در کشورهای سوسیالیسم سازش دارند میسازند. حال آنکه مدتهاست که اینها دروغ گفته و میگویند. داستان خروشچف و

سوسیال امپریالیسم یعنی "سوسیالیسم در حرف، امپریالیسم در کردار. رهنمود پرولتر - یسم به امپریالیسم" (لنین - "وظایف بین الملل سوم") این صحت لنین بدین معناست که اپورتونیسم در تکامل منطقی خود به رویزیونیسم و همدستی با امپریالیسم منجر خواهد شد. منشی رویزیونیست ارفقای خروشچف با کودتای خائنانه خود به رهبری حزب کمونیست شوروی غالب می شوند و از طریق شعبده های پی در پی ضد انقلابی، حزب را به سازش رویزیونیستها مبدل میکنند (بطور مثال در فاصله ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ - ۷۰ درصد اعضاء کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۹ که آخرین کنگره در زمان استالین بود، تصفیه میشوند و مجددا در فاصله ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ - ۳۰ درصد اعضاء برگزیده در بیستمین کنگره نیز برکنار میشوند.)

واضحی است که یک حزب رویزیونیست در جهت احیاء سرمایه داری حرکت خواهد کرد و در سیصد امروزه که بیش از ۲۰ سال از رویزیو - نی رویزیونیستها بر حزب و دولت میگذرد، سو - سیال امپریالیستهای حاکم بر روسیه دیگر چیزی از سوسیالیسم باقی نگذارده اند و اگر میگذاشتند جای تعجب بود. امروز همانطور که سرمایه داران آمریکائی ادعا میکنند که کشورشان مهد آزادی، دموکراسی و دفاع از حقوق بشر است، رهبران روسیه نیز ادعا میکنند که کشورشان مهد سوسیالیسم، انقلاب و دموکراسی و برابری است، حال آنکه نظام حاکم بر هر دو نظام سرمایه داری و رژیم انحصاری و امپریالیستی است و بنابراین اطلاق سوسیال امپریالیسم به روسیه بسیار مناسب است، چرا که در حرف ادعای سوسیا - لیست بودن میکند ولی در واقع کشوری امپریالیستی است. خروشچف بیچاره میسر هرگز این مساله را حاشا نکرد و رک و پوست کنده گفت: "اینکه احزاب کمونیست طرفدار همکاری با احزاب سوسیال دمکرات هستند، فقط بخاطر صلح، و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و حفظ و توسعه حقوق و آزادیهای دموکراتیک نیست، بلکه در مبارزه بخاطر رسیدن به حکومت و ساختمان جامعه سوسیا - لیستی نیز میباشد." (برنامه حزب کمو - نیست اتحاد شوروی - ۱۹۶۱ - ص ۵۱) بنابر این می بینیم که سوسیالیستی را که خروشچف و حزبش خواهان آن بوده و هستند، همان "سوسیالیستی" است که افرادی از رفقای گلدا مایر سوسیال دمکرات، وبلی - برانت، میتران، و اشمیت این مردمداران صهیونیسم و امپریالیسم، خواهانش بودند و هستند و در این ۲۰ ساله نیز مشغول ساختمان این چنین "سوسیالیستی" در روسیه بوده اند!

۲ - چریکهای فدائی خلق در پاسخ به کسانی که میگویند روسیه کنونی در حرف سو - سیالیست است ولی در عمل یک کشور امپریا - لیستی میبوسند: اینها "ادعا میکنند که کشورهائی که در آنها انقلاب سوسیالیستی اتفاق افتاده و به پیروزی رسیده است، مثلا شوروی، اینک امپریالیست هستند..." (کار شماره ۱۸ ستون دوم)

طبیعی است که چریکها با چنین ادعائی مخالف اند. بسیار خوب! ولی اگر کسی مخا - لف است که شوروی امپریالیستی است و بر این باور است که این کشور سوسیالیستی، برای اثبات ادعای خود موظف است که آمار و ارقام و تحلیل ارائه دهد. شرایط مادی درون روسیه را تشریح کند. خلاصه یک تحلیل مارکسیستی کرده و غلط بودن ادعای مخالفین را اثبات نماید.[1] ولی چریکهای فدائی از ارائه چنین تحلیلی خودداری کرده و خواهند کرد و یک مشت کلی گوئی تحویل خواننده خود میدهند. بهرحال نتیجه دلتان چیست؟

"تجسا، طبقه کارگر آگاه و انقلابی که به رهبری لنین و حزب بلشویک پس از سالها مبارزه، قدرت سیاسی را بچنگ میگیرد و حکومت کارگران را برقرار میسازد و در طول ۲ دهه (۱۷ - ۱۹۵۷) کام بکام به سوی تحکیم و تکامل سوسیا - لیسم به پیش میبرد، طبقه کارگری که پس از انقلاب اکتبر سالها با ضد انقلاب به نبردی سی ساله میپردازد

لنین با تبرئی سی ساله میپردازد
تمکین شوروی را با تبرئی سی ساله
مبارزه میکند و در جنگ با مهمترین
و مخوف ترین ارتش که تاریخ بشر
به خود دیده است، یعنی ارتش فاشیست
امپریالیسم آلمان، بزرگترین حماسه
های تاریخ را پدید میآورد و دو
خط دستاوردهای سوسیالیسم منشا
سرگیجه شدید آنانی
رویزیونیست میشود و خود رنجید و
دستاوردش در عرض چند سال دوباره
کارگران را طبقه ای حاکم به طبقه
محکوم تبدیل میکند. بدون آنکه
کارگران کوچکترین اعتراضی بکنند
مرحبا به این استدلال عالمانه"
(کار شماره ۱۸، ستون دوم)

اولا: طبقه کارگر قهرمان سر
وکمونیستهای واقعی روسیه اعتراض کرد
میکنند ولی متاسفانه خروشچف مرتد با سیا
سی بازداری از برخی اشکالات موجود در سو
سیالیستی و از طریق یک کودتا رهبری
حزب را گرفت. عناصر انقلابی درون حزب
دولت و ارتش شروع شوروی را بخنثا نمودن
کرد، بخنثا و انزوا نمودن آنها کرد و بقیه را سیا
پراکنده ساخت و طبقه کارگر و کمونیستها
بدون حزب و ارتش شان قادر به درهم کوبی
سلطه بورژوازی نیستند. همچنانکه طبقه کا
گر خودمان نیز پس از ۷۰ سال مبارزه سلط
پراکندگی صفوف خود و کمونیستها و سلط
نبود حزب واقعی طبقه کارگر، همچنان است
سرمایه داران است. به هرحال محض اطلا
شما باید گفت که امروز نیز هم طبقه کارگر
روسیه و هم انقلابیون آن مسئول اعتراض
وحشی مبارزه محنی میباشند!

ثانیاً: شما معتقدید طبقه کارگر
قهرمان روسیه با آن سابقه درخشان مبارز
نی اش به آسانی تسلیم عده ای رویزیونیست
ارفقای خروشچف و دارودسته اش نمیشود و ا
زه نمیدهد بورژوا هائی ارفقای خروشچ
طبقه کارگر را از طبقه ای حاکم به طبقه ا
محکوم بدل سازند. ولی واقعیت خلاف
ادعای شما را ثابت میکند. واقعیت این است
که نزدیک به ۲۰ سال است که رویزیونیست
خائنی ارفقای خروشچف و برژنف بر رهبر
حزب، دولت، ارتش و ... شوروی حاکم ا
و مناسفانه طبقه کارگر روسیه نیز قادر نگر
است که آنان را سرنگون سازد. اگر در این
ساله رهبران، گردانندگان، برنامه ریز
روسیه خروشچف ها، کاسگین ها و برژنف ها
بوده اند پس کی ها بوده اند؟! شما نام ببر
مگر نه این است که در این ۲۰ ساله این سیا
ست خروشچف ها و برژنف ها بوده است که
روسیه پیاده نموده و میبود؟! اگر مخالف اند بگو
ئید پس سیاست چه کسانی در تمام مدت ا
۲۰ سال پیاده شده است؟ براستی شما بگوئید
که طبقه کارگر قهرمان شوروی با آن سابقه
درخشانی که بدرستی به آن اشاره کردید، مثلا
نه این است که مدت ۲۰ سال تحمل کرده است
رهبران "خریص" خائنینی ارفقای خروشچف
و برژنف باشند، دیگر مگر این واقعیت گفته
نمیتوانند نشود!

ثالثاً: چریکهای فدائی خلق معتقد
اند که رهبری حزب و دولت از رهبران خروشچف
بدست رویزیونیستها، یعنی بورژوازی افتا
ده ولی شوروی کنونی همچنان سوسیالیستی
است. معمای عجیبی است! مگر نه این است
که هر طبقه ای میگوئید "اجتماعی
اقتصادی مطابق مناسبات دارد؟ مگر نه
این است که بورژوازی با بدست رسیدن
سرمایه داری میتواند و بر دولتها را با رسیدن
بقدرت سوسیالیسم؟ اینها ادعاء مبارزه
طبقاتی است ولی چریکهای فدائی مگر این
واقعیت اند! از دو حال خارج نیست، یا
چریکها معتقد اند که خروشچف و شرکاء علیرغم
اینکه سابقه بورژوازی بودند، پس از
رسیدن بقدرت همچنان مشغول ساختمان
سوسیالیسم بوده اند، که اگر این باور است
باید بدیگر ادعا نه مارکسیسم را خواند، چرا که
اگر بورژوازی در قدرت، سوسیالیسم سازد،
از کجا معلوم که فردا طبقه کارگر بر قدرت سر
مایه داری سازد! اگر بورژوازی با رسیدن

بقیه در ۹

www.iran-archive.com

انحراف اطلی..

حزب ما این مهم را انجام دهیم. این مهم را در عمل کارگری، یعنی جائی که کمونیست‌ها تمام درد‌ها را در سوسیالیسم با آن مداوا می‌کنند، آغاز کرده و سازمان‌هائی که در جنبش کارگری فعالیت می‌کنند، اگر ما دائما به مشکلات و مسائل خود در این جنبش نگرشیم، خواهند دید که سرمایه‌داری و فکر همه‌ی ما، یعنی ما هم کارگران و کسانی که کارگران و محافل مطالعاتی را روشنفکران دانسته و مدعا رهبری خودشان در این جریان را بر سرمایه‌های کارگران مستقل در این جنبش‌ها ارزیابی می‌کنند. وظیفه و خدمت اگر این جنبش‌های کارگری با اتحاد، مطالعه و بحث متون مارکسیستی، شرکت در مبارزات جاری کارگران (عموما اقتصادی) و بالاخره بوجود آوردن سندیکا بوده و هست. تا بر این جنبش‌ها بر جنبش طبقه کارگر، عموما از این حد بالاتر نرفته و به هیچ روی کارگران های جدا از مبارزات سیاسی طبقه کارگر در محیط خود بوده و هستند. آیا این جنبش‌ها در دامن زدن به مبارزه سیاسی طبقه کارگر فعالند و جنبش وظیفه‌ای را در مقابل خود قرار داده‌اند؟ آیا میکوشند طبقه کارگر را در یک مبارزه سیاسی متحد نمایند؟ ما صادقانه خیر! این جنبش‌ها عموما بدگار خود سرگرم هستند و اکثرا در مبارزات سندیکائی و اقتصادی طبقه کارگر فعالیت میکنند و به آن سرو سامان و تشکیلات می‌دهند. این جنبش است سنگ روی راست روی و محافظه‌کاری و اکونومیسم در جنبش کارگری.

مسئولیت این انحراف به هیچ روی گردن کارگران متشکل در این جنبش‌ها نیست مسئولیت بگردن گروه‌ها و سازمان‌هائی است که با یک سیاست انحرافی این پیشروان طبقه کارگر را بدین راه میکشانند.

هدف مرکزی جنبش کمونیستی ما، گروه‌ها و سازمان‌های آن، رشد خود در جنبش کارگری است و ما میکوشیم تا با تمام قوا این رشد و رشد جنبش کارگری را بدرستی درک نمائیم. بر واضح است که جنبش طبقه کارگر را به حال خود رها نمیکنیم و فکر و دگرگونی خود را مرتبا متوجه بدست آوردن امکانات برای جنبش (جنبش‌های کارگری و عناصر پیشرو) مینمائیم. رشد جنبش کمونیستی در درون طبقه کارگر، بدون رشد جنبش سیاسی این طبقه ممکن نیست و رابطه مستقیمی این دو را بیکدیگر وصل می‌نماید. رشد جنبش سیاسی طبقه کارگر است که عناصر پیشرو کارگری را با آرمان و درد عناصر پیشرو کارگری و کمونیست‌ها نیز عمده‌تر پیش و طبقه‌شان را پیش رو جنبش مبارزاتی است. فعالیت در درون طبقه کارگر، بدون دامن زدن به مبارزه سیاسی این طبقه، نمیتواند دنباله‌روی از جنبش خودجوشی طبقه کارگر، یعنی اکونومیسم و راست روی و این جنبش است سیلوردیکری از انحراف نابرده.

حال از خودمان میپرسیم، جنبشی که برنامه و سیاست و کار در جنبش کارگری جنبش باشد، آیا ساری به انحراف احساس میکند؟ آیا به مبارزه در مقابل طبقه کارگر، منادی که وی را در مبارزه سیاسی این طبقه سرمایه‌داری و دشمنان طبقه کارگر رهبری کند، نیازی احساس میکند؟ مطمئنا نه! و، تنها که حدود فعالیت ما در جنبش کارگری از رهبری و مطالعه با کارگران، شرکت در مبارزات سندیکالیستی و در بهترین حالت گرفتن رهبری آن در مبارزه و بدترین اینکه به این محدود نیز قانع هم باشیم و آنرا درست نپرداخته‌ایم و این مرحله‌ای را مقابل نویسیم، دیگر حرکت ساری به حرکت، جدا ساری به وحدت جنبش کمونیستی داریم.

جنبشی سازنده حرکت است که خواهد جنگ طبقاتی پرولتاریا به مبارزه در مقابل دشمن را احساس میکند که ایشان خواهند مبارزه‌ای در خور این سازد دست رسد و الا هدف مان میتواند همه کارگری سازد، سندیکا و شورا بوجود آورد و بر بستر مبارزه خودبخودی طبقه کارگر خودی نشان دهد. و این دقیقا کاری است که میکنیم. خرده‌کاری و پراکنده‌کاری و محفل گرائی ما بر دقیقا منطبق با این شرایط است و میتواند بدون ایجاد کوچکترین مشکلی با آن همرسی نماید. این طور کار سازی ندارمان بر دانش خرده‌کاری و پراکنده‌کاری ندارد.

اما اگر در فکر دامن زدن به مبارزه‌ای طبقه کارگر باشیم، اگر بخواهیم به دنبال یک برنامه جدا جدا سازمان‌های در رهبری طبقه کارگر را بگردیم برنامه‌ای متحد نمائیم و در بر سیاسی این را به دشمنان این طبقه نشان دهیم و مبارزه این طبقه را بر دیگر بر مبحث سندیکالیستی دشمنان نشان دهیم، که شرایط کنونی موبد آن را می‌طلبد، اگر بخواهیم جنبش‌های کارگری را از این فعل در مقابل طبقه کارگر دوا نمائیم مبارزه کند. آنوقت خواهیم دید که دیگر خرده‌کاری را نمیتوان تحمل کرد، دیگر پراکنده‌کاری را نمیتوان بر بستر، دیگر جدائی و عدم وحدت جنبش کمونیستی نه بر بستر نمی‌خواهد بود. آنوقت خواهیم کشید، این طبقه بر بستر را می‌خواهد بوسی، آری که مطلب این است.

راست روی و محافظه‌کاری و اکونومیسم آن سری است که سازمان ما میتواند با حال راحت روی بخواند و هیچ هم به فکر بلند شدن نباشد، جدائی راحت است و آب و نان هم خودخود میرسد.

و همینکه طبقه کارگر راحت باشد، خواهیم توانست به راحتی از کار و معطلات شورشگر جنبش بگذریم و آنها را با حال خودرها کنیم، چون سازمان‌های ما خطاب نمی‌شویم و همچنین ما در خواهیم بود در برابر اسلاف جدید در مقابل امر وحدت جنبش کمونیستی علم کنیم. آری وقتی که جنبش باشیم، برای شما ساده خواهد بود که وحدت این جنبش را به طی شدن یک دوران طولانی "مبارزه ایدئولوژیک" بدون همکاری و همکوشی عملی و مبارزاتی مشترک رها کنیم، زیرا کار همه‌ی در طبقه کارگر و هدایت سندیکا ساری به همکاری کمونیستی ندارد و در سیاست اگر هم مشکلی موجود آمد ما در خواهیم بود بر بستر‌های موجود در آن کارخانه را در هم جمع کنیم و بر روی یک برنامه مشخص محدود به همان کارخانه و بر طرف کردن آن مشکل توافق کنیم. بنی دیگر جدائی به درجه اش. هر کدام از ما خودخواهیم!

ما را میکند این بر و این انحراف برجسته شود، ما را میکند به یک جنبش سیاسی دست نزنیم. عملا نخواهیم توانست به عمق بسازی و ضرورت تاحل مداوای آن پی ببریم. این شرایط ما بدعوت کند، ضرورت و الزام انجام جرب رهائی برای همه ما بدوای مسائل اطلی و فوری مطرح خواهد بود و از جرب به عمل مسلسل خواهد کند که مبارزه و اعتلاء آن، این جنبش ضروری را در مقابل پای ما قرار دهد و بدون فعالیت کوبی ما به نیاز جنبش میکند، بلکه به بهترین وجهی انحرافات ما را جبران میکند.

فعالیت مشترک و مواری در کارخانه‌ها و پراکنده کارگری و ما جدا جدا هم طرز کار اگر بر بستر مبارزه‌ای گروه‌ها، ما را به جنبش سنجه‌ای رساند و ما را انجام مرحله‌ای بررسی نمود جنبش کارگری بر داخل، حال آنکه اگر به جنبش دهنا بی بکار دکنیم و جنبش را روحیم برابر و برابر اگر بر بستر رهبری جنبش ساری هم بدکار در این جنبش وارد شویم بدجنبش دهنا بی نمی‌شد بدجنبش بر بستر بدا بسکه در رهبری کار در این جنبش بدا بحرانات در غلطیده باشد.

بحران کار ما بدینسان داده است که آنجا که جنبش سیاسی طبقه کارگر، دهنا بی موجود بود و آنجا که تشکل‌ها و محافل موجود بدضرورت جنبش کارگری بر داده‌اند، مبارزه وحدت جنبش کمونیستی و ضرورت آن، بر بستر رشد و ضرورت پاسخ ...

لنینیست‌های واقعی ایران می‌دانند چرا که اگر کمونیست‌های ایران وظائف خویش عمل کرده بودند و ماهیت واقعی و ضرورت وحدت و رزمگر روسیه را برای توده مردم و روشنفکران انقلابی افشاء نموده بودند، دیگر امروز عده‌ای جرات نمیکردند که نام کمونیست‌های ایران و تحت لوای دفاع از لنینیسم روسیه امپریالیستی را علم روسیه لنینیسم معرفی کنند، جرات نمیکردند که روسیه خروشچفی - برژنفی را با شوروی لنین و استالین یکی گرده و حمله به روسیه مرتدانی چون خروشچف - برژنف را حمله به لنین و استالین معرفی کنند.

سوم آنکه، رهائی سازمان جریکهای فدائی خلق از آنارشیه فعالیت نمود، گوشه‌ای برای توجیه منی انحرافی جریکی چنین جلوه دهند که بوکوئی انسان با جمع بندی از شرایط مختص ایران بود که به لزوم مبارزه جریکی جدا از توده‌ها رسیده‌اند. ولی معذالک برای همگان روشن شد که این ادعای انسان جدی انسان نبود. برای همگان روشن شد که تئوریهای جریکی مائوئیستی مارکسیسم - لنینیسم به شرایط مشخص ایران، بلکه کمی برداری نشاء سایه و مجسمه‌ای بود از کتاب "راهنمائی طولانی" روی دیره و خورده و بورژوائی از رفقای او. و امروز با رنج مجددا نگرا رد مستوده و استدلالات "تئوریک" این سازمان در رد نظریه امپریالیستی بودن روسیه، جبری بجریکی - برداری شغل به فعل از تئوریهای از رفقای "رهائی" و نگرا از نظرات کهنه بدسازمان های ئی از قبیل "حواریان انقلابی" که دو سازمان جریکی در بر که مبارزه بدو بوده و بسیاری و ایده‌های همچو بدنبخش نیست! اگر زمانی روی دیره نوانست نقش آموزگار ایشان را ایفاء نماید، جرا امروز خرده بورژوا هنای با تبرئیت بر که بتوانند جنبش نقشی را بازی کنند. آنچه قطعا مهم است این است که اندیشه لائی را که این جریان بین المللی در هر گوشه دنیا برای تطهیر سوسیال امپریالیستی روسیه آورده‌اند به رویزیونیستها بعارت کرده‌اند جمع آوری کرده و خورد جوانان انقلابی میهن ما دنبال کار مبارزه علیه امپریالیستهای روسیه بدست بردارند!

چهارم آنکه، کنار این همچون جریکهای فدائی خلق که کپیه مارکسیسم - لنینیسم "خلاق" را بر دوش میکشند گریبانستی در اندیشه یک بررسی جدی و ماتریالیستی از ماهیت روسیه کنونی می‌بودند، موظف بودند که در وهله اول به بررسی مادی داخل روسیه بپردازند و اثبات میکردند که سیستم اقتصادی حاکم بر این کشور سوسیالیستی است و نه امپریالیستی. ولی ما از هم اکنون به خواننده‌گان سرید "کار" "کنار" "قول میدهیم که سلسله مقالات مرتبطی اگر برای چندین

و اختلافات سیاسی و تئوریک وجود داشته‌اند، فوراً به طرف کردن آنها اقدام شده و مبارزات خوبی سرمایه آورده‌اند.

رفقا، تحت برخورد حکومتی تحت دیگر مشابه که شدرا را کشیده و سعی خود را اثبات کرده‌اند، سعی مبارزی بر اسپها.

بنده‌ها، امروز مبارزه برای مبارز این شرایط ضروری برای کاری است که ما برای انجام جرب طبقه کارگر انجام دهیم. در این راه ما به هیچ روی کشور کم نهائی را در مبارزه ایدئولوژیک بعدهیم و آنرا جرئی جدا بدهد را این جرب کنیم. لائی برای شنیده‌ایم که مبارزه ایدئولوژیکی که بر مبنای درد جنبش سیاسی طبقه کارگر باشد، دردی را دوا نخواهد کرد. بجز این جنبه‌ها بسیار داده است که ما در دیگر انجام جرب بسیار و ضرورت و نوبت آنرا احساس میکنیم و سازمانی هم که بوجود آمده این شرایط را بسیار دهیم. بدیگر بر نخواهیم افتاد. دیگر آنکه شرایط بسیار گردد و ما را با تلکر کند!

کارهای زیادی است که انجام آن طلب میشود. /

بنده از سال طولانی است.

اقتصادی داخل روسیه نخواهد پرداخت. چنانکه بنده امروز که بیش از ۱۰۰ سال از سرود این بحث در جنبش بین المللی کمونیستی میگذرد سازمان جریکهای فدائی خلق جنبش یک خط در ارتباط با وضعیت اقتصادی درون روسیه و سوسیالیستی نخواهد نمود. همچنانکه برادران ترکه‌ای انسان و وسائل جنبش و رسانه‌ای شان با تحلیل از انجام این مهم طور در بنده‌ا دو کوشیده‌اند با تاکید بر بحث‌های "علمی" و "سیاسی" سرود قصه را به سر آورند! سازمان ما درک شده نظرات خویش را در ارتباط با بحث اقتصادی شوروی متصل در کتاب "شوروی کنونی یک کشور سرمایه‌داری و امپریالیستی" ارائه داده است و در نتیجه در اینجا مرور بر آن نیست و ما صرفا به "استدلالات" جریکهای فدائی پاسخ خواهیم گفت.

****

حال به اختصار به بررسی استدلالات بنده در چه در "کار" شماره ۱۷ بپردازیم. گفته "استدلالات" فداییان بقرار زیر است:

۱ - سرمایه‌داری خواندن روسیه یک نظریه جدید است و خاستگاه ارفقای کائوتسکی مرتد و سوسیال دمکراتها، تروتسکیست و تروتسکیستها و هم چنین آنارشیستهای روسیه همواره چه قبل و چه بعد از انقلاب اکتبر انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگران را در روسیه غیرممکن میدانستند و همواره میکوشیدند تا کشورشوراها را که لنین و استالین در رأس آن قرار داشتند سرمایه‌داری بخوانند.

۲ - کوشش برای قلب ماهیت دولت شوروی و اثبات این ادعا که در شوروی سرمایه‌داری به نوع خود باقی است و یا دوباره احیاء شده بقول فداییان "پس از کنگره سیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و اعلام مواضع رویزیونیستی و خائنانه خروشچف و داروده خواجه‌ها و که در اصول عام و چهارچوب مارکسیسم - لنینیسم تجدید نظر کردند، اوج تازه‌ای بخود گرفت."

۳ - از این استدلال فداییان نتیجه میگیرند که ما بر این هرکس که روسیه کنونی را یک کشور سرمایه‌داری و امپریالیستی بداند، با رویزیونیستهای خائنی چون کائوتسکی و تروتسکی و نوکران همزبان سدد است و آب به آسیاب آنان میریزد.

بجهت نبودن این گونه استدلالات در رد "تئوری سوسیال امپریالیسم" برای کسی که حتی کمچکترین آشنائی با سوسیالیسم علمی دارد متوانند بنده نمایند.

اولا: با اینکه به استدلالات جریکهای فدائی خلق روشن ساخته‌اند که درک آنان از روسیه کنونی دقیقا همان شوروی سوسیالیستی دوران لنین و استالین است و هیچگونه تفاوتی میان شوروی سوسیالیستی که لنین و استالین در رأس آن بودند با شوروی که مغول خودمان خروشچف خائن و دیگر رویزیونیست مجدد مطرطلب حاکم است قائل نبوده و نیستند. از دیدگاه جریکهای فدائی خلق، این مهم است که رویزیونیست که مغول خودمان عمال بورژوازی در درون جنبش کمونیستی اند در هر حزب و جامعه روسیه حاکم باشند لنین و استالین، بهرحال روسیه در هر دو دوره سوسیالیست بوده است. می‌بینند که این طرفداران تئوری "سوسیال امپریالیسم" معتقدند که شوروی لنین و استالین نیز کمونیست، بلکه این جریکهای فدائی خلق است که با سوسیالیست خواندن روسیه کنونی و دانستن آن با آن دوران بدرخواران انقلاب توهین و اهانت میکنند. بدیگر کلام این جریکهای فدائی خلق اند که با تساوی میان یک کشور سوسیالیستی و امپریالیستی از یکدیگر بسیار هدف و مارکسیسم - لنینیسم واقعی ایران - انجرافی که "بسیار نوعا" تائوئیستی و نوکران سرداران سنده و ساخته‌اند خود جریکهای فدائی میان روسیه سرمایه‌داری و شوروی سوسیالیستی لنین و استالین قائل شده‌اند!

ما با جریکهای فدائی خلق میگوئیم با اجماع، کائوتسکیم، مجالس خود را

www.iran-archive.com

گرامی باد یاد شهیدان سینما رکس آبادان

چرا بجای تعقیب و مجازات عوامل این کشتار به تجدید این فجایع میپردازند

شب ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، در حالیکه بیش از ۸۰۰ نفر از مردم آبادان در سینما رکس این شهر مشغول تماشای فیلم "گورنیها" بودند، دستهای سیاه و جنایتکاری گلوله ریزهای خروجی سینما را از بیرون قفل و زنجیر کرده و سینما را به آتش کشیدند.

در میان دود و آتش و فریاد دهشتناک تماشاچیان بیش از ۸۰۰ نفر سوختند و غال شدند. در حالیکه آتش از درون سینما زبانه میکشد افراد پاسدار و پلیس ساواک شهر مانع هر گونه تلاش برای نجات سینما را محاصره کرده و از رسیدن کمک به فریادرسان این فاجعه دردناک جلوگیری نمودند و بر روی مردم شلیک کردند. ماشینهای آتش نشانی شرکت نفت با تاخیر زیاد به صحنه رسیدند و معلوم شد که آب ندارند. بدین ترتیب در مقابل دیدگان جریحه دار شده جمع کثیری از مردم آبادان ۸۰۰ نفر جوان، زن و مرد و کودک سوختند و خاکستر شدند. فریادهای جانگداز آنان گماشتگان درگوش بیدادگر دستنشانده جمعی این سازمان گماشتگان را دنبال میکند.

رژیم شاه در آغاز این جنایت را به "خرابکاران کمونیست" نسبت داد و بعد "مارکسیست های اسلامی" را متهم نمود. اما خلق آگاه ما که دشمنان خود را نیک میشناسد این تبلیغات مزورانه را باور نکرد و مهر آبادان در روزها و هفته های بعد از این حادثه شاهد تظاهرات و اعتراضات وسیع و انقلابی مردم داغ دیده بود.

فاجعه سینما رکس، جنایت هولناکی بود که عمال رژیم شاه مرتکب شدند تا از مردم قهرمان ما "چشم زهر" بگیرند. شاه مخلوع در یک مصاحبه، شش قبل از این جنایت، "فاجعه بزرگ" را به مردم ما نوید داد و اعلام کرد که اگر دست از مبارزه برندارند گرفتار مصیبت های بزرگی خواهند شد. فاجعه سینما رکس، نمونه ای از این مصیبت بود. مردم آبادان به آتش کشیده شدند اما تسلیم رژیم شاه نشدند، لاکن آتش آبادان از همه ایران زبانه کشید و بالاخره کاخ های ظلم و زور آریا مهر را سوزاند. این است منطق و درس بزرگ تاریخ.

مردم داغ دیده و قهرمان آبادان، از آن فاجعه به اینطرف، همواره با شهیدانشان را گرامی داشته و کم و بیش هر جمعه بر مزار آنان مراسم یادبود و گردهم آئی سیاسی برقرار است و مردم آبادان از آن روز تاکنون حال یک حساب داشته اند: عاملین این جنایت باید دستگیر و مجازات گردند.

اجساد شهیدان ما در گورستان جمعی خود آرام ندارند، خانواده های داغدار آنان کماکان سایه بوشیده و در انتظار محاکمات عاملین این جنایت هستند، مردم داغدار آبادان و همه مردم آزادیخواه ایران مجازات این جنایتکاران را طلب میکنند.

اما "دولت موقت" و گردانندگان آن نه گوشی اصلا این مطالبات را نمی شنوند و نه گوشی اصلا فاجعه ای بوقوع نپیوسته است. ایشان بجای یافتن و مجازات عاملین این فاجعه، به مقابله با مردم داغدار آبادان برخاسته و در این شهر عملا حکومت نظامی برقرار کرده و دست به تیراندازی قاتل به جنایت های جدید بر علیه مردم خوزستان برخاسته اند و بر مردم رنج دیده آبادان داغهای تازه ای می نهند و در کنار گور شهیدان سینما رکس، گورهای جدیدی میکنند تا آزادی را بخاک بسپارند.

ما ضمن اعلام همبستگی دوباره با سازمانگران فاجعه سینما رکس آبادان و همه مردم داغدار آبادان، با دیگر ضرورت پیگیری این فاجعه و یافتن عاملین آن و مجازات آنان را به دولت با اصطلاح انقلابی گوشزد میکنیم و شعارها و همه مردم این خواست را طلب میکنیم.

گروهی توطئه گر، متقلب و مشروعه چی که از پشت به آزادی خنجر میزنند

اعلامیه

((درباره توقیف آیندگان))

روز سه شنبه ۱۶ مرداد گروهی افراد مسلح بحکم دادستان کل انقلاب اسلامی به محل دفتر و چاپخانه روزنامه آیندگان ریخته و پس از مهر و موم کردن ساختمان و مراکز کار روزنامه ۱۳ تن از کارکنان آیندگان را دستگیر و با خود بردند. بهمراه توقیف دستگاه چاپخانه آیندگان، انتشار روزنامه های (کیهان) آزاد، ندای آزادی و هفته نامه آزادی و چند نشریه دیگر که در چاپخانه آیندگان چاپ میشدند، با حکم دادستانی تعطیل روبرو شده اند. این حرکت ضد آزادی و ضد جوانمردانه که بر پایه هیچ دلیل و مدرک مشروعی علیه کارکنان و روش روزنامه آیندگان قرار نگرفته است رنگ خطری جدی است به آن مردمی که نمیخواهند با دیگر آزادی در میهن ما قربانی طمع ورزیهای جاه طلبانه مشتی میوه چینان انقلاب دوم ایران گردد.

متن اعلام جرم دادستان کل انقلاب اسلامی علیه آیندگان که در اخبار همان روز رادیو و تلویزیون پخش شد، نمونه ای از اعلام جرمهای جعلی و ساختگی بود که در زمان سلطه ساواک بر کشور ما برای فریب و ارعاب مردم عرضه میشد. در اعلام جرم آمده است که توقیف آیندگان و بستن دفاتر و چاپخانه آن مستند به دو دسته دلیل است. دلایل دسته اول اینکه روزنامه مزبور توسط عمال رژیم سابق و بکمک اسرائیل صورت گرفته و کار آن مورد تائید ساواک و سنای آمریکا بوده است! در حالیکه ما دریافتیم که عامل حکم توقیف آیندگان خود نیز بخوبی آگاه هستند که این جرم مربوط به وضعیت روزنامه آیندگان در قبل از انقلاب و قبل از اعتصاب مطبوعات میشود و مدتهاست موسسان سرسپرده روزنامه آیندگان توسط کارکنان این روزنامه تصفیه و اخراج شده اند. اگر وضعیت سابق آیندگان موجبی برای توقیف این روزنامه بدست میدهد، پس باید روزنامه های ارقبل کیهان سرکه دارای سابقه طولانی تری از خیانت و نوکری برای شاه و سیاستگران بوده اند و مدت قبل از انقلاب آسیا همدست صهیونیسم و مورد تائید ساواک و آمریکا میبوده، سرسوخت و کارکنان کنونی نشان دستگیر و بزندان افکنده شوند. خصوصا هم اکنون روزنامه ها و مجلاتی هستند که مدیحه گویان شاه و اربابان و همدستان مخبرانشان در آنها آزادانه هرچه دلشان میخواهد مینویسند و هر غلطی که میخواهند در شکل دادن یک افکار عمومی علیه انقلاب میکنند و کسی از سوی دادستانی و دولت معترضشان نیست. در مقابل به روزنامه هائی چسبیده اند که با صاف خود را از این خماس افراد پاک کرده اند و با آنکه از ابتدا پاک بوده اند!

بقیه در ۹

راست روی و محافظه کاری و اکثریت آن بیشتری است که بیمار ما (گروهها و سازمانهای کنونی) میتواند با خیال راحت رویش بخوابد و هیچ هم بفکر بلند شدن نباشد، چه جایش راحت است و آب و نانش هم خود بخود میرسد.

پیرامون وحدت جنبش کمونیستی
انحراف اصلی جنبش ما

سمباری کشنده و عمیقی در جان جنبش کمونیستی ما ریشه دوانده و آنرا بسوی سرنوشت ناگواری میکشاند، لاکن خود نمیدانیم و یا بهتر گفته باشیم، نمیخواهیم بدانیم.

از چند ماه پیش بمنظور چاره اندیشی برای معضلات متعدد جنبش کمونیستی ما، گروهها و سازمان های مختلفی در چند شهر گردهم نشستند. هنوز کار شروع نشده برخی با تز "ائتلاف" به پیش آمدند و کوشیدند با مرهم کردن گروه های موجود در یک "ائتلاف"، بدون آنکه به خط مشی واحدی رسیده باشیم و بدون آنکه مرز ها را سره جدا شده باشد، این جنبش را به یک مسیر انحرافی بکشانند و از هدف اصلی و فوری آن، یعنی وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب دورنما بیندازند. جنبش ما مدتی سرگرم مبارزه با این تز انحرافی بود، تا با درستی آن باشبات رسید. تز "ائتلاف" کنار زده شد با این امید که اینک رحقیقتا با انگیزه وحدت طلبی و از زاویه حاد عمل بوسانیدن به وظیفه اصلی این جنبش صورت گرفته است. هنوز این قدم اول برداشته نشده بود که همین مضمون بشکل جدیدتری به پیش گذاشته شد. "وحدت بدون داشتن یا به کارگری و بدون پیوند کارگر نیک با طبقه کارگر ممکن نیست." پس برویم شریک برای خودپاسداری بگیریم. چندی هم صرف مبارزه با این نقطه نظر شد و امید میرفت که جنبش ما دارد به هدف خود نزدیک میشود. اما موانع یکی پس از دیگری از راه رسیدند. "برای وحدت بروز رشی به همکاری نیست."، "برویم برای حد ما مسرکز مبارزه ایدئولوژیک کنیم و هر گروه جداگانه در میان طبقه کارگر کار کند تا ببینیم چه میشود"، و بالاخره "جنبش ما فاقد امکان پذیرنیست"، "تئوری انقلابی از کجا میآید؟" "از کار در میان طبقه کارگر". پس تا زمانیکه با طبقه کارگر پیوند نگرفته ایم، نمیتوانیم به این تئوری دست یابیم و تا زمانیکه به این تئوری دست نیافته ایم نمیتوانیم وحدت کنیم. روز از نو، روزی از نو.

جنبش کمونیستی ما در این چند ماه به طور نگرفتی خود را تکرار میکند و بگرداب بیرونی دور میزند و امروز بقریبا در همان جائی است که چند ماه پیش قرار داشت. چرا؟

این مباحث و اشکال تراشی ها گرچه میتوانند ناشی از فقر تئوریک، گسستی و تشتت در جنبش کمونیستی ما باشند، لیکن وقتی برای چند ماه با اشکال مختلف، اما با یک مضمون، تکرار شدند، مطمئنا مساله دیگری نیز در کار است. انحرافی هست که در مقابل وحدت جنبش کمونیستی ما مقاومت میکند و آنرا مرتب به تعویق میاندازد. این انحراف چیست؟

بعقیده ما گرچه جنبش کمونیستی ما از بسیاری دردها چون فقر و تشتت تئوریک، خرده کاری و پراکنده کاری، سکتاریسم و کوته نگرائی و بالاخره عدم پیوند با طبقه کارگر و توده مردم رنج میبرد، لاکن اینها هنوز انحراف اصلی جنبش ما نیستند. انحراف اصلی جنبش کمونیستی ما، که در شرایط کنونی ما را بر انحرافات و دردها از آن نمیگذرد، نموده و آنرا میپروراند، راست روی و محافظه کاری و اکونومیسم میباشد.

برای نشان دادن این مطلب، یک نمونه و مهمترین تیپ این انحراف را گرفته و بررسی میکنیم و میکوشیم تا ارتباط آنرا

پاسخی به چریکهای فدائی

بدنبال انتشار مقالاتی با عنوان "تئوری سوسیال امپریالیسم" انحراف از مارکسیسم است" در نشریه کار (سازمان چریکهای فدائی خلق)، اتحاد به کمونیستهای ایران (ساخه جنوب) با سخنانی مختصر بصورت اعلامیه پخش نمود که در زیر قسمت اول و دوم آن را میخوانید.

تطهیر سوسیال - امپریالیسم روس
(پاسخی مختصر به چریکهای فدائی خلق)

(۱)

اخیرا سازمان چریکهای فدائی خلق در نشریه "کار" در رد نظریات مارکسیست - لنینیست های ایران و جهان که بدرستی معتقد به سوسیال امپریالیست بودن روسیه می باشند و در دفاع از سوسیالیستی بودن روسیه خروشچفی - برژنفی اقدام به درج یک سری مقالات نموده است. تنها نکته قابل ستایش در این مقاله اختصار و صراحت آشکار آن است و بنابراین ما نیز خواهیم کوشید تا همان صراحت و اختصار به نزاکت نگاشتی را که از طرف سازمان مذکور مطرح گردیده است دنبال کرده و در حد توانائی خود بدان پاسخ گوئیم. ولی پیش از آغاز بحث ذکر چند نکته را که سازمان چریکهای فدائی خلق از سوسیالیستی بودن روسیه کنونی میکند و برخورد کنونی سوراخ ها با مارکسیست - لنینیست های ایران به مارکسیست - لنینیست های ایران از جانب دارودسته کمیته مرکزی حزب توده صورت میگرفت چندان جای شگرانی نمیبود چرا که رسوائی و مزدوری حاشیه کمیته مرکزی مدتهاست که حداقل برای بسیاری از روشنفکران انقلابی و مردم ایران دیگر آشکار گردیده است. ولی همین دفاع زمانی که از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق صورت میگیرد، بدون شک نمیتواند شکرانیهای بسیاری را موجب گردد چرا که این سازمان بدلیل مبارزات ارزنده و انقلابی خود در چند سال اخیر و مشکرانه خونهای شهدای عزیزی که این سازمان به انقلاب ایران هدیه نموده است، بخش از محبوبیت خاصی در میان بخش هائی از مردم برخوردار است و در نتیجه دفاع این سازمان از روسیه کنونی میتواند موجب به انحراف کشاندن بخش قابل توجهی از روشنفکران انقلابی و مبارز میهن ما گردد.

دوم آنکه، موضعگیری سازمان چریکهای فدائی خلق پس از آنکه سالها سکتاریسم و تئوریزه طلبانی این سازمان در دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و مبارزه علیه رویزیو

www.iran-archive.com